

## جایگاه علی (ع) در قرائت

صمد عبداللہی عابد

عضو هیئت علمی دانشگاه آذربایجان

### چکیده

از آنچه عام و خاص در مورد فضایل علی (ع) ذکر کرده‌اند چنین استنباط می‌توان نمود که شخصی اعلم یعنی آن کسی که اعلم به قرآن، قاضی‌ترین، نفس پیامبر، به منزله کعبه، دارای علم کتاب و علم تأویل و تفسیر است؛ نمی‌تواند در قرائت در اوج نباشد؛ زیرا اعلیت در قرائت، در قاضی‌ترین و عالم‌ترین بودن علی (ع) و حتی در جانشینی پیامبر (ص) نقش دارد. اصولاً نمی‌توان پذیرفت که امامی در یکی از اموری که به هدایت امت مرتبط است، فرودست پیروان خود باشد.

این مطلب، از طریق استدلال عقلی ثابت می‌شود و علاوه بر این از طریق نقل نیز علی (ع) از جانب پیامبر (ص) قاری‌ترین معرفی شده است و از میان صحابه و تابعین افرادی مثل ابن مسعود، عمار یاسر، ابن عباس، ابو عبدالرحمن سلمی و ... بر این امر اذعان کرده‌اند. شاگردان بی‌واسطه و با واسطه حضرت در قرائت نیز بیانگر جایگاه ایشان در قرائت است. افرادی مثل سلمی، ابوالأسود دثلی، ابن عباس و ابن مسعود بهره‌های فراوانی از ایشان در خصوص قرائت برده‌اند و قرائت‌های قراء بعدی مثل عاصم، نافع، حمزه، ابن کثیر، کسائی و ابو عمرو بن علاء و مخصوصاً روایت حفص از عاصم که سند طلایی دارد و مورد اتفاق عام و خاص است، منتهی به علی (ع) می‌گردد.

اما آنچه از قرائت‌ها به طریق شاذ به علی (ع) منسوب است و افرادی مثل ابن جتّی و ابوحیان و قرطبی، متذکر آن شده‌اند، مورد قبول ما نیست و تنها آنچه را که به طریق متواتر و معتبر از آن حضرت به ما رسیده و مورد قرائت در زمان معصومین (ع) بوده، می‌پذیریم.

**واژه‌های کلیدی:** قرائت، علی (ع)، قراء سبعه، قرائت شاذ و ...

## مقدمه

در روایات اهل بیت (ع) آمده است که پیامبر (ص) در هنگام بیماری که منتهی به رحلتش شد، به علی (ع) فرمود:

«یا علی، این کتاب خداست، خُذْهُ الْيَك»

پس علی (ع) آنها را در پارچه‌ای قرارداد و پس از رحلت پیامبر (ص) قسم یاد کرد که جز برای نماز، رداء بردوش نگیرد، تا قرآن را جمع کند. پس از مدتی جمع کرد و در پارچه‌ای قرار داد و پیش قوم برد، در هنگامی که در مسجد جمع شده بودند و گفت:

پیامبر خدا (ص) فرمود: «من در میان شما چیزی قرا می‌دهم که اگر بدان تمسک جویند گمراه نمی‌شوید؛ آن دو، کتاب خدا و عترتم؛ اهل بیت هستند.»

سپس علی (ع) ادامه داد: این، کتاب است و من، عترتم. و سپس عمر (رض) برخاست و گفت: اگر قرآنی داری، ما نیز مثل آن را داریم، پس ما را حاجتی به قرآن و عترت نیست. سپس علی (ع) بعد از اتمام حجت، قرآن خود را برد و در این خصوص ابن مسعود گفته که:

«علی (ع) قرآن را جمع کرد و آن را قرائت نمود. پس وقتی قرائت می‌کند، از قرائتش تبعیت کنید». (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۵۱/۲-۵۰)

البته واژه قرائت در عصر پیامبر (ص) دارای دو جزء بود که یکی از آنها تلاوت لفظ و دیگری معنی لفظ بود که در آیه «سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنسَى» (اعلیٰ ۶) اشاره به هر دو مورد تلاوت لفظ و تعلیم معنی دارد. (عسکری، ۱۴۱۵ق: ۲۹۴/۱) و علی (ع) لفظ و معنی قرآن را جمع و قرائت نموده است.

اما این مصحف که به عنوان ارث امامت در دست ائمه بعدی بود تا به دست امام عصر (ع) رسیده است، جز این که دارای شأن نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تأویل و تنزیل بود و براساس ترتیب نزول جمع‌آوری شده بود، فرق اساسی با مصحف عثمانی نداشت. البته در برخی روایات در قرائت بعضی کلمات، قرائتهای متفاوتی از حضرت نقل شده است که یا لطمه‌ای به روح قرآن نمی‌رساند و یا اینکه به طور شاذ نقل شده‌اند.

اما در مورد پیشینه بحث این که صاحب الذریعه چهار کتاب در قرائت علی (ع) را به جلودی، زید شهید، مقری و ابن حجاج نسبت داده (تهرانی، بی تا: ۵۴-۵۵/۱۷) که اثری

از آنها نیست، مفسرین و صاحبان کتب قرائت نیز در لابه‌لای کتبشان به برخی قرائتها از علی(ع) اشاره کرده‌اند که غالباً شاذند و به صورت غیر معتبر نقل شده‌اند. البحرالمحیط ابوحیان، المحتسب ابن جنی، تفسیر قرطبی، مجمع‌البیان و برخی کتب دیگر به قرائتهای منسوب به علی(ع) پرداخته‌اند. اخیراً نیز کتابی بنام «قرائتهای اهل بیت القرآنیه» از سید مجیب رفیعی منتشر شده که حاوی قرائتهای منسوب به علی(ع) نیز هست. ولی هیچ یک از مؤلفان یاد شده قرائتهای منسوب به علی(ع) را ترجیح نداده‌اند و این نشانگر آن است که از قوت کافی برخوردار نیستند.

پیش‌فرض: هدف ما از این نوشتار، بررسی قرائتهای منسوب به علی(ع) نیست؛ بلکه فرض ما این است که علی(ع) آشناترین فرد از صحابه در قرائت قرآن بود و برای اثبات آن شواهدی از بزرگان صحابه عنوان خواهیم کرد و اگر دیگران به عنوان قاری‌ترین معرفی شده‌اند به جهت اعراض سیاسی بوده که ادله‌ای در رد آن بیان شده است.

رسالت پیامبران، تعلیم و تزکیه است. (جمعه/۲) و اهم فعالیت اوصیای آنان نیز در همین دو مورد بوده است و لازمه موفقیت هر شخصی در تعلیم و تزکیه، وجود درونمایه کافی در آن شخص است و علم به اموری که در امر هدایت دخیل‌اند، برای امام ضروری است؛ هر چند در مواردی، امامان به غیر این امور نیز علم داشتند.

اولین چیزی که رهبر اسلامی باید از آن اطلاع کافی داشته باشد، قرآن است که اصلی‌ترین منبع فقه، عقاید و اخلاق اسلامی است؛ زیرا علم به قرآن و تعالیم آن، در هدایت امت ضروری است. لذا پیامبر (ص) با توجه به شناختی که از علی(ع) داشت، جایگاه ایشان را تبیین و ایشان را به عنوان رهبر دینی پس از خود معرفی کرده است. (امینی، ۱۳۶۶، ش: ۱۲/۱-۹) و فضایل ایشان را بیان داشته که در این نوشتار در مقام بیان برخی از این فضایل که در قرائت آن حضرت دخیل‌اند، هستیم.

### برخی فضایل علی(ع) و دخالت آنها در قرائت:

#### ۱-۱- جمع قرآن توسط علی(ع) براساس وصیت پیامبر(ص):

علاوه بر آنچه در مقدمه بیان شد که علی (ع) بنا بر وصیت پیامبر(ص) قسم یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد تا قرآن را جمع کند، و این که آن را به امت عرضه کرد ولی نپذیرفتند (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ ق: ۵۱/۲-۵۰) علمای عامه نیز بر این مطلب صحه گذاشته، متذکر آن شده‌اند. سیوطی پس از بیان قسم علی(ع) بر جمع قرآن، می‌گوید:

«مطلبی که هیچگونه تردیدی بدان راه ندارد، آن است که حدیث یاد شده دال بر آن است که اندیشه جمع قرآن - قبل از این که ابی‌بکر مصحف خود را گرد آورد - در ذهن علی (ع) استقرار یافته بود.» (سیوطی، ۱۳۶۳ ش: ۵۷/۱)

از این روایت که همانند آن در کتب حدیثی و تفسیری فراوان است، چنین استنباط می‌شود که جمع قرآن، آن هم براساس سفارش پیامبر(ص) برای کسی که در امر قرائت مهارت کافی نداشته باشد، محال است.

#### ۱-۲- مصحف علی(ع) بیانگر قرائتش

در مقدمه بیان شد که علی (ع) دارای مصحفی بود که شامل تنزیل و تأویل، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... بود. مصحف علی(ع) بیانگر قرائت ایشان و دارای ارزش تاریخی است؛ زیرا این جزری قرائت چهار تن از قراء سبعة را مرتبط با علی(ع) دانسته است که عبارتند از: ۱- ابو عمر و بن علاء ۲- عاصم ۳- حمزه ۴- کسائی (ابن جزری، بی تا: ۱۷۱/۲-۱۶۵-۱۵۵-۱۳۳)

مصحف علی (ع) جز در قرائتی که مصحف عثمانی پذیرای آن بود و در برداشتن تأویل و شأن نزول و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه، تفاوتی با آن نداشت؛ زیرا:

۱- علی (ع) مصحف خود را طبق قرائتی که از پیامبر (ص) شنیده بود، نگاشت و مصحف ابی‌بکر هم در برابر دیدگان مردم کتابت شد. پس اگر اختلافی در مصحف ابی‌بکر یا عثمان به نظر می‌رسید، علی (ع) نظر خود را بی پروا اظهار می‌کرد؛ زیرا درباره شخصیت برجسته‌ای که شهادت او بر هیچ کس مخفی نیست، سزا نبود که راجع

به کاری که پسند خاطر او نبود، ساکت بماند؛ آن هم درباره قرآن که قانون اساسی مسلمین است.

پس قرائت علی (ع) در مصحفش از رسم الخط عثمانی دور و بیگانه نبود و قرائتهای منسوب به حضرت (ع) شاذند و متواتر نیستند و سندشان قوی نیست. (احمد مختار عمر و... ۱۴۱۲ق: ۱۵/۱-۱۴)

۲- دلیل دیگر این که علی (ع) بعد از خلافت، با این که قدرت داشت آن را عوض نکرد. و حتی خطاهای کتابتی مصحف عثمانی را اصلاح نکرد؛ زیرا همان مصحف برای هدایت مسلمانان بسنده بود و همین مطلب را حضرت علی (ع) در پاسخ به درخواست طلحه برای ارائه مصحفش بیان فرمود و ادامه داد که با عمل به مصحف عثمانی از آتش می‌رهید و به بهشت درمی‌آید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹-۴۲)

۳- اجماع مسلمین بر این است که این قرآن خداست که بر پیامبر (ص) نازل شده است و در آن زیادت و نقصانی نیست. (حجتی، ۱۳۷۹ش: ۹۹؛ جعفری، ۱۳۹۲ق: ۱۰۳)

پس، همین که قرائت عاصم به حکم وجدان تاریخ، از میان قرائتها انتخاب و رایج گردید، گویای آن است که علی (ع) موثق‌ترین قرائت را در اختیار داشت و مهارت آن حضرت در بین صحابه، بی‌همتا و از نظر وثاقت غیر قابل رقابت از نظر وثاقت بود. (حجتی، ۱۳۷۹ش: ۹۹)

### ۳-۱- علی (ع) وارث پیامبر (ص)

در روایات زیادی، پیامبر (ص)، علی (ع) را وصی و وارث خود معرفی می‌کند که دینش را برپا می‌دارد و موعودش را منجز می‌کند. (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق: ۳/۶۱۵)

۴-۱- پیامبر (ص)، علی (ع) را به منزله کعبه معرفی کرده که به او رجوع می‌شود؛ ولی او به هیچ کس رجوع نمی‌کند. (جزری، ۱۴۱۵ق: ۴/۱۰۶)

### ۵-۱- علی (ع) از پیامبر (ص) و پیامبر از (علی) است.

احمد، ترمذی، ابن ماجه و نسایی از پیامبر (ص) نقل می کنند که:

«علی از من است و من از علی هستم، و کسی جز علی از جانب من ادا نمی کند.» (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۳۹۱/۲)

نسائی می گوید: تعبیر به «نفس» با توجه به جریان مباحله و حدیثی است که پیامبر می فرمود:

«بنو ولیعه (ملوک حضرموت) یا باید از مخالفت پرهیز کنند و یا اینکه کسی را به سُرَاغشان می فرستم همانند خودم تا امرم را در میانشان اجرا کند.» (نسائی، ۱۴۱۹ق: ۱۰۸)

نسائی همین مطلب را در جریان ارائه سوره توبه چنین نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود:

«علی از من و من از اویم، و کسی جز خودم و علی از جانب ما ادا [وظیفه ابلاغ] نمی کند.» (همان: ۸۲)

ایشان بار دیگر، «علی کنفسی» را از پیامبر نقل کرده است. (همان: ۸۰)

نتیجه این که کسی را که پیامبر به عنوان نفس (خود) مطرح نموده باید در تمام کمالات بر دیگران مقدم باشد، به دلیل برتری پیامبر بر سایر افراد که قرائت از جمله آنهاست.

### ۶-۱- آیا کسی که در قرائت در اوج نباشد، می تواند در قضاوت بهترین باشد؟!

پیامبر (ص) به کَرَات علی (ع) را برترین کس در قضاوت در میان امت و صحابه معرفی کرده است. (حلی، ۱۴۱۱ق: ۴۵ به نقل از مجمع الزوائد، ۱۱۴/۹ و...؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸ق: ۳۸۳ در حاشیه استیعاب؛ ابونعیم اصفهانی، بی تا: حلیه الاولیاء، ۶۶/۱-۶۵؛ بیومی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۲ به نقل از الریاض النضره: ۱۴۷/۳ و...؛ خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۸۱)

از میان صحابه نیز، عمر (رض) بر «قاضی ترین بودن علی (ع) اقرار کرده می گوید:

«أَقْرُونَا أَبِي، وَ أَقْضَانَا عَلِيٌّ.» (بخاری، ۱۴۱۹ق: ۱۶۷/۳، حدیث ۴۴۸۱؛ عدوی، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۹؛ بیومی، ۱۴۱۶ ق: ۲۱۲ به نقل از الرياض النضرة، ۱۴۷/۳، ذخائر العقبی، ۵۳ و فتح الباری، ۶۰/۷ و...؛ خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۹۲)

نتیجه این که عالم به فرائض و عالم به قرائت، نیاز چندانی به علوم دیگر ندارد؛ ولی قاضی باید به علوم دیگر نیز واقف باشد. (شافعی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۰/۱-۱۰۹)

همه موارد مذکور به نحوی مرتبط با جایگزینی علی (ع) برای رهبری جامعه اسلامی است و کسی شایستگی رهبری همه جانبه امت اسلامی را دارد که در همه علوم دینی و قرآنی نیاز به مراجعه به دیگری نداشته باشد که از آن جمله است، علم به قرائت؛ زیرا قرآن منبع اصیل استخراج اعتقادات، احکام و اخلاق اسلامی است و با عدم اشراف به قرآن، تعالیم آن محقق نمی‌شود. قرائت نیز در تفسیر و تبیین احکام و... کاملاً دخیل است که در جای خود بحث می‌شود.

## ۲- علی (ع) دانشمندترین صحابه

اعلمیت علی (ع) از پیامبر(ص) و بزرگان صحابه و تابعین نقل شده که بیانگر اشراف ایشان به تمام علوم است که مسلمین در مسیر هدایت به آن نیاز دارند و چه علمی پراهمیت‌تر از قرائت که اولین منبع تعالیم اسلامی است. برخی از این روایات چنین است:

۱-۲- ابن مسعود از پیامبر (ص) نقل می‌کند که «حکمت برده قسم تقسیم شده است که نه قسم آن به علی و یک قسم دیگر به بقیه مردم اعطاء شده است.» (خوارزمی، بی‌تا: ۴۰؛ صفوری، ۱۴۰۶ق: ۱۷۹؛ جوینی، ۱۳۹۸ق: ۹۴/۱) برخی نیز در تنمّه همین روایت نقل کرده‌اند که: «وعلی (ع) در همان یک قسم باقی نیز از بقیه مردم عالم‌تر است.» (متقی، ۱۴۰۹ق: ۱۱/۶۱۵) مشابه همین روایت از ابن عباس نیز نقل شده که به جای حکمت، واژه علم قرار دارد. (ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۶۸ از استیعاب ابن عبد البر، ۴۱/۳ و الرياض النضرة، ۱۴۹/۲)

۲-۲- سلمان فارسی از پیامبر(ص) نقل می‌کند که «دانشمندترین فرد در میان امت من بعد از من، علی به ابی طالب (ع) است» (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۰؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۵۰؛ متقی، ۱۴۰۹ق: ۶۱۵/۱۱؛ ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱۷۱/۱)

۲-۳- پیامبر(ص) به دخترش فاطمه زهرا(س) می‌فرماید:  
«من، تو را به ازدواج بهترین کس از امتم در آوردم که عالمترین، حلیمترین و اولین کسی است که اسلام آورد.» (ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱۷۰/۱ و نیز در متقی، ۱۴۰۹ق: ۶۰۵/۱۱)

۲-۴- ابن مغزلی به سندش از مجاهد از ابن عباس و جابر بن عبدالله نقل می‌کند که پیامبر(ص) بازوی علی (ع) را گرفت و فرمود:

«...من، شهر علم هستم و علی(ع) در آن است؛ پس هر کس در طلب علم باشد، باید از در وارد شود.» (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۱۳۷/۳؛ متقی، ۱۴۰۹ق: ۶۰۰/۱۱؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۷۲)

۲-۵- در حدیث دیگری هست که «دروغ گفته کسی که گمان کرده به جز از در، به خانه می‌رسد.» خداوند فرموده: «وَأَتَوَالِیْبُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره/۱۸۹) و علی (ع) فرمود:

«پیامبر خدا (ص) هزار باب از علم را به من یاد داد که از هر کدام از آنها هزار در دیگر باز می‌گردد.» (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۷۳)

۲-۶- احمد بن حنبل از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود:  
«هر کس بخواهد به آدم (ع) از حیث علمش، و به نوح (ع) از حیث فهمش و به ابراهیم (ع) از حیث خَلْقش، و به موسی (ع) از حیث مناجاتش، و به عیسی (ع) از حیث سَنَنش، و به محمد(ص) از حیث تمامیت و کمالش بنگرد، به این شخص بنگرد که می‌آید.»

مردم نگریستند و دیدند علی بن ابی طالب می‌آید... (ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱۷۲/۱ و با اندکی تفاوت در س. ۱۷۴ از قاضی ایچی در مواقف: ۲۷۶/۳ و تفتازانی در شرح



مقاصد: ۹۹/۲ و در ص ۱۷۳ از ابن ابی الحدید: ۲۳۶/۲ و مشابهن در ابن عساکر،

۱۴۱۷ق: ۳۱۳/۴۲ و خوارزمی، بی تا: ۴۱-۴۰ و امینی، ۱۳۶۶ش: ۳۶۰/۳-۳۵۵

۷-۲- از صحابه نیز در اعلمیت علی(ع) مطالبی نقل شده که از آن جمله است

سخن عباده بن صامت از عمر(رض) که گفت:

«ما امر شدیم که در اموری که مورد اختلاف است، علی(ع) را حاکم قرار

دهیم.» و بدین جهت علمای صحابه مثل سلمان، عمار، حذیفه، ابوذر، اُبی بن

کعب، جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس، ابن مسعود و زید بن صوحان از

ایشان تبعیت کردند و به علم علی(ع) و فضیلتش اعتراف می کردند. (ابن

شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۳۸/۲)

۸-۲- امام حسن(ع) بعد از شهادت پدرش علی(ع) در ضمن خطبه‌ای فرمود:

«دیروز مردی از بینتان رفت که از حیث علم، پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و

آیندگان علم او را درک نمی کنند.» (بیومی، ۱۴۱۶ق: ۲۰۸ از مسند احمد،

۳۲۸/۱، ح ۱۷۲۴-۱۷۲۵ و حلیله الاولیاء، ۶۵/۱ و تاریخ ابن کثیر، ۳۶۸/۷

و فقه الصفوه، ۳۱۳/۱ و متقی، کنزالمعال، ۴۱۲/۶)

۹-۲- ابودرداء می گوید: دانشمندان سه نفرند: مردی در شام (مراد خودش بود) و

مردی در کوفه (مقصودش ابن مسعود بود) و مردی در مدینه (علی(ع)؛ اما مردی

که در شام است از کسی که در کوفه است سؤال می کند و کسی که در کوفه است

از آن کس که در مدینه است، سؤال می کند؛ ولی کسی که در مدینه است از هیچ

کس سؤال نمی کند. (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۵۵)

۱۰-۲- ابن مسعود می گوید که ما همیشه می گفتیم که افضل اهل مدینه، علی بن

ابی طالب(ع) است. (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق: ۶۷۲/۲ و ۶۰۴)

۱۱-۲- ابن عباس می گوید: هرگاه چیزی از [دانش] علی(ع) به ما برسد، از او به

دیگری رو نمی آوریم.» (ابن عساکر، ۱۴۱۷: ۴۰۷/۴۲؛ ابن اثیر جزری، اسد الغابه،

۱۴۱۵ق: ۹۶/۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ۲۰۷/۳)

۱۲-۲- ابن عباس در پاسخ به مردی گفت: «دانش پیامبر(ص) از خدا، و دانش علی(ع) از پیامبر(ص) و دانش من از دانش علی(ع) است، و دانش همه یاران پیامبر(ص) در کنار دانش علی(ع) چون قطره‌ای در برابر هفت دریاست. (مفید، ۱۴۱۴ق: ۲۳۵؛ طوسی، املی، ۱۳۸۴ق: ۱۱ و قسمت آخر روایت در قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۷۰/۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۳۸/۲) و در تفسیر آیه «والذین اوتوا العلم والایمان» (روم/۵۶) علی(ع) را جامع علم و ایمان معرفی کرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۳۶/۲)

۱۳-۲- عبیده سلمانی گوید: با ابن مسعود و علی(ع) همراهی نمودم، فضل علی(ع) بر عبدالله، همانند فضل مهاجر بر اعرابی بود. (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق: ۵۴۱/۱)

۱۴-۲- از عطاء سؤال شد: آیا در میان صحابه محمد(ص) عالمتر از علی(ع) وجود داشت؟ ایشان پاسخ داد: قسم به خدا به عالمتر از علی(ع) علم ندارم. (ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱۶۹/۱)

۱۵-۲- هیچ یک از صحابه «سلونی» نگفت جز علی بن ابی طالب(ع) (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق: ۶۴۶/۲؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۲۲۴/۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۶)

### ۳- اعلیت علی(ع) به قرآن

علاوه بر آنچه گفته شد، علی(ع) در خصوص قرآن نیز از همه صحابه برتر بود و آنچه می آید گویای همین مطلب است:

۱-۳- املای پیامبر(ص) و نوشتن علی(ع)

علی(ع) می فرمایند: «هر آیه‌ای که خداوند بر محمد(ص) فرو فرستاده، با املای پیامبر خدا(ص) و دست خط خودم، نزد من است و (هم چنین) تأویل هر آیه‌ای که خدا بر محمد(ص) فرستاده، و هر حرام و حلالی، و یا هر حدّ و حکمی، یا هر چیزی که امت تا روز قیامت بدان نیازمند خواهد شد، به املای پیامبر و دست خط من موجود است،

حتی دیه یک خراش» (ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۲۱/۱۰ از /احتجاج طبرسی، ۵۶/۳۵۶/۱ و کتاب سلیم بن قیس، ۱۱/۶۵۷/۲)

۲-۳- یکی از «جُمَاع» [باحفاظان] قرآن در عهد پیامبر (ص)، علی بن ابی طالب (ع) بود. (صغیر، ۱۴۲۰ق: ۶۹-۶۸؛ زنجانی، ۱۳۸۸ق: ۴۷-۴۶)

با وجود نکات فوق، برخی در میان جمع کنندگان و حافظان قرآن فقط اسم چهار نفر (آبی، معاذ، زیدبن ثابت و ابوزید) را ذکر کرده اند و یادی از علی (ع) نکرده اند. قرطبی در توجیه این مطلب می گوید:

علت این که آنس حفظ قرآن را به این چهار نفر منحصر کرد، شدت علاقه و رابطه اش با اینها بوده و یا فقط اینها در خاطرش بوده که همگی از انصارند. (سیوطی، ۱۳۶۳ش: ۲۴۰/۱)

ابن حجر نیز در این مقام می گوید:

«احتمال دارد این معنا را تنها به قبیله خزرج بتوان اختصاص داد. زیرا که آنس این سخن را در مقام مفاخره بین اوس و خزرج گفته است. (همان: ۲۴۲-۲۴۱)

از توجیحات یادشده می توان استفاده کرد که مقصود از ذکر آن چهارتن، بدان جهت بوده که آنها در میان خزرجی ها جامع و حافظ قرآن بوده اند؛ چراکه حافظان قرآن، منحصر به این چهارتن نبودند که شهادت حافظان زیاد در بنرمعونه و یمامه گویای همین مطلب است.

۳-۳- شعبی که یکی از تابعین مشهور است می گوید: «پس از پیامبر (ص) هیچ کس از علی(ع) به کتاب خدا داناتر نیست» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۳۲۲؛ حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۴۳ و ۲۷)

عطاء (از تابعین) از عایشه (رض) نقل کرده است که گفت: علی (ع) عارف ترین و عالم ترین اصحاب پیامبر (ص) به قرآن است. (حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۲۷)

عبدالمملک بن ابی سفیان نیز از عطاء سؤال می کند که آیا در بین صحابه مصطفی (ص)، کسی عالم تر از علی (ع) یافت می شود؟! در جواب گفت: به خدا سوگند کسی عالم تر از او نیست (همان: ۲۷). برخی نیز علی (ع) را اعلم صحابه به مواقع تنزیل

و معرفت تاویل معرفی کرده‌اند. (ابوحیان، ۱۴۱۳ق: ۱۷/۱) ابو سعید خدری می‌گوید: وقتی یکی از بزرگان یهودی برای پرسش پیش عمر آمد، او گفت: من، اعلم نیستم؛ ولی تو را به کسی راهنمایی می‌کنم که داناترین امت ما به کتاب، سنت و چیزهایی است که تو درباره آنها می‌پرسی. و آنگاه با اشاره دستش علی (ع) را نشان داد. (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۵۳۱/۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ۱۴۱۷ق: ۱۶۷/۲؛ ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۳۹/۱۰ از الغیبه طوسی، ۱۱۳/۱۵۲ و کشف الغمه، ۲۹۶/۳ و...)

خود علی (ع) نیز اعلامیتش به کتاب و سنت را در ضمن سخنانی چنین بیان می‌دارد: «أنا... أعرفکم بالکتاب و السنه». (ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۲۰۷/۸ از الاحتجاج،

(۳۶/۱۸۲/۱)

۳-۴- علی (ع) دارای علم کتاب

وقتی از پیامبر (ص) در خصوص آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (الرعد/۴۳) سؤال شد، حضرت فرمود «آن برادرم علی بن ابی طالب (ع) است... (حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۴۲۳/۱۵۵-۴۲۲). مسعودی نیز یکی از فضایل علی (ع) را علم به کتاب و تنزیل بر شمرده است. (ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۴۴۹/۸-۴۴۸ از مروج الذهب، ۴۳۷/۲) خود علی (ع) می‌فرماید:

«فهم کتاب به من داده شده است.» (مفید، ۱۴۱۴ق: ۳/۶؛ طوسی، امالی،

۱۳۸۴ق: ۲۳۹؛ طبری، بشاره المصطفی، ۱۴۲۰ق: ۲۲؛ حسینی استرآبادی،

۱۴۰۷ق: ۱۱/۶۴۹/۲)

۳-۵- علی (ع) می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر این که دانستم در مورد چه

چیزی و کجا و بر چه کسی نازل شده است. به راستی پروردگارم به من زبانی پُر سؤال و دلی پُر فهم عطاء فرموده است. (خوارزمی، بی تا: ۴۶؛ سیوطی، ۱۳۶۳ش: ۵۹۰/۲؛

ابوحیان، ۱۴۱۳ق: ۱۷/۱؛ معرفت، ۱۳۷۱ش: ۱۹۹/۲ از التفسیر والمفسرون، ۹۰/۱ به نقل

از حلیه الاولیاء ابونعمان اصفهانی)

۶-۳- از من در خصوص قرآن پرسید.

سعید بن مسیب می گوید: در میان اصحاب رسول خدا (ص) هیچ کس جز علی بن ابی طالب (ع) نیست که بگوید: «از من پرسید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۴/۴۰) معمر از وهب بن عبدالله آورده که گفت: دیدم علی (ع) سخنرانی می کند و می گفت:

«از من پرسید، به خدا سوگند که از چیزی از من پرسید مگر این که به شما خبردهم و از من درباره کتاب خدا سؤال کنید که به خدا سوگند هیچ آیه ای نیست مگر این که می دانم در شب نازل شده یا روز، و آیا در دشت فرود آمده یا در کوه. (سیوطی، ۱۳۶۳ش: ۵۸۹/۲؛ آمدی، بی تا: ۴۶۶ از انساب الاشراف بلاذری، ۳۵۱/۲ و الطبقات الکبری ابن سعد، ۶۱/۲ و فتح الملک الا علی، ۳۸-۳۷)

محمد بن فضیل نیز از ابن شبرمه مشابیه آن را نقل می کند (حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۲۷)

۷-۳- علم ابن عباس (مفسر مشهور) از علی (ع) است.

ابن عباس می گوید: آنچه از تفسیر قرآن فرا گرفته ام، از علی بن ابی طالب (ع) است. (ابوحیان، ۱۴۱۳ق: ۱۷/۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۳۲۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۵/۸۹) و در عبارتی دیگر می گوید: دانش من به قرآن، در کنار دانش علی (ع) همچون آبیگری کوچک در کنار دریای بی کران است. (ابن اثیر، النهایه، بی تا: ۲۱۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹ و ۱۰۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۹۹/۲)

۸-۳- اختصاص علی (ع) به تفسیر و علم ظاهر و باطن به اعتراف دانشمندان اهل

سنت:

سیوطی می گوید: ده تن از صحابه در تفسیر شهرت یافته اند... و در میان خلفا بیشتر از همه از علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است و روایت از آن سه جداً بسیار کم است. (سیوطی، ۱۳۶۳ش: ۵۸۹/۲؛ ابوحیان، ۱۴۱۳ق: ۱۷/۱)

زرقانی نیز درباره اختصاص امام علی (ع) به شئون تفسیر، سوی دیگر خلفا و صحابه، می گوید: به علت ارتباط محکم و استوار علی (ع) با پیامبر (ص) اثر بزرگی در

نورانی شدن نفس او وسعه دانش او باقی مانده و خداوند فطرتی پاک و هوشی نادر و عقلی فراوان به او ارزانی داشته است تا آنجا که در حل مشکلات، مورد ضرب المثل شده و درباره او گفته شده است «قضیه ولا ابالحسن لها» (زرقانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۷/۲؛ ذهبی، التفسیر والمفسرون، ۱۳۹۶ ق: ۸۹/۱؛ معرفت، ۱۳۷۱ ش: ۱۹۸/۲ از اسد الغابه، ۴۰/۲- ۱۶ و...). و بنا بر نقل ابن مسعود، قرآن بر هفت حرف نازل شده، و هیچ حرفی نیست مگر این که ظاهر و باطن دارد، و بدرستی که علی بن ابی طالب (ع) علم ظاهر و باطن را دارد. (سیوطی، ۱۳۶۳ ش: ۵۸/۲؛ معرفت، ۱۳۷۱ ش: ۱۹۹/۲ از التفسیر و المفسرون، ۹/۱ به نقل از حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی؛ ابن ریش، ۱۴۱۵ ق: ۱۶۹/۱ از مفتاح السعاده، ۴۰۰/۱ و القادیر، ۹۹/۳ و ابن شهر آشوب، ۳۲۱/۱) مطلب مذکور از سلمان فارسی و ابن عباس نیز نقل شده است. (جوینی، ۱۳۹۸ ق: ۳۵۵/۱ از تاریخ دمشق؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ ق: ۵۳/۲؛ امین، ۱۴۱۸ ق: ۱۲۵/۱-۱۲۴)

۳-۹- معیت و همراهی علی (ع) با قرآن

در مورد هیچ شخصی به غیر از علی (ع) گفته نشده است که «فلاں مع القرآن» (جوینی، ۱۳۹۸ ق: ۱۷۷/۱)

ام سلمه (رض) از پیامبر (ص) نقل می کند که: «علی با قرآن و قرآن با علی است. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند.» (متقی، ۱۴۰۹ ق: ۶۰۳/۱۱؛ بیومی، ۱۴۱۶ ق: ۱۴۴-۱۴۳) حاکم در مستدرک این حدیث را صحیح دانسته است. (۱۲۴/۳)

از این فصل می توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به جامع و حافظ بودن علی (ع) و نگارش قرآن و علوم قرآنی توسط ایشان و با نظر به این که ایشان به اقرار صحابه و تابعین، اعلم صحابه نسبت به قرآن است و علم کتاب پیش ایشان است و با اشراف آن حضرت به تنزیل و تأویل و اختصاصش به تفسیر و علم ظاهر و باطن و معیت باقرآن، نمی توان پذیرفت که فردی با این ویژگیها در علم قرائت، در اوج نباشد! زیرا اشراف به قرائت، نقش تعیین کننده ای در تفسیر دارد؛ بدان حد که برخی تأثیر اختلاف قرائت را

در الهیات، نبوت، غیبات، عبادات، معاملات، نکاح، حدود، جهاد و قضا متذکر شده‌اند. (حبشی، ۱۴۱۹ق: ۱۲۹-۱۲۲)

برخی دیگر نیز از جمله تأثیرات قرائتهای، مختلف را در تفسیر، احکام فقهی و نحو عربی دانسته‌اند. (آل اسماعیل، علم القرائتها... واثره فی العلوم الشرعیه)

از تأثیرات مهم اختلاف قرائتها، اختلاف در احکام است، مثل اختلاف فقها در وضوی ملموس و عدمش بنابر اختلاف قرائتها در «لمستم» و «لامستم» و جواز زناشویی با حائض بعد از انقطاع و قبل از غسل که بین مُشَدَّد بودن «یطهرن» اختلاف شده است. (ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۳۳/۱- مقدمه محقق)

برخی دیگر به تفصیل، تاثیر قرائتهای مختلف را در ابواب فقهی نزد فقهای عامه بیان کرده‌اند که از جمله آنهاست:

۱- «بسم الله الرحمن الرحيم» طبق قرائت عاصم، فالون، کسائی و ابن کثیر در اول هر سوره‌ای به غیر از برائت قرار دارد؛ ولی حمزه آن را بین دو سوره لازم ندانسته است و نافع، آن را از سوره فاتحه دانسته و... که اینها در احکام فقهی قرائت حمد و سوره‌های دیگر در نماز تأثیر دارد.

۲- حکم اتخاذ مصلی از مقام ابراهیم (ع) (بقره/ ۱۲۵)

۳- حکم قتال در مسجد الحرام (بقره/ ۱۹۱)

۴- حکم استمتاع از زوجه حائض (بقره/ ۲۲۲)

۵- نهی از ضرر رساندن کاتب و شهید (بقره/ ۲۸۲)

۶- معنی احسان و آنحه بر آن مترتب می‌گردد. (نساء/ ۲۵)

۷- حکم نقض وضو به سبب لمس زنان (مائده/ ۶)

۸- حکم عقد ایمان (مائده/ ۸۹)

۹- جزاء قتل صید (انفال/ ۹۵)

۱۰- ولایت مومن بر دیگران (انفال/ ۷۲) و... (عبد القوی، ۱۴۱۸ق: ۱۹۰-۱۷۹)

#### ۴- موقعیت علی (ع) در قرائت

از مستندات روایی شیعه و اهل سنت برمی آید که علی (ع) جایگاه ویژه‌ای در قرائت داشته است که گاهی ایشان را «قاری‌ترین» معرفی کرده‌اند و گاهی نیز به مطالبی اشاره کرده‌اند که لازمه‌اش «قاری‌ترین» بودن آن حضرت است. برخی روایات و منقولات تاریخی در این خصوص چنین است:

۴-۱- پیامبر (ص) فرمود:

«علی افضلکم... و لکتاب الله اقرءکم» (مفید، ۱۴۱۴ق: ۹۰)

علی (ع) افضل شما... و به کتاب خدا قاری‌ترین شماست.

همین معنی را شیخ مفید از شهر بن حوشب چنین نقل کرده است که می‌گفت: از ابی امامه باهلی شنیدم که: سوگند به خدا، موقعیت سیاسی معاویه مرا از گفتن حَق درباره علی (ع) باز نمی‌دارد. از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: علی (ع) برترین شماست... و برای کتاب شما (قرآن) آگاه‌ترین و کارآمدترین شما در قرائت آن است... (همان: ۹۰)

۴-۲- پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود:

«تو قاری‌ترین فرد در امت برای کتاب الله هستی»، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱/۴ از

احتجاج طبرسی، ۸۳ از سلیم بن قیس از سلمان و مقداد و ابوذر از علی (ع))

۴-۳- شافعی، ده علم را برشمرده که علوم دیگر از آنها منشعب می‌شوند که دومین

علم، علم قرائت است. اومی گوید:

«امام کوفیین که به قرائت مشهور است، عاصم بن ابی النجود است که قرائتش

در دنیا منتشر شده است و حفص و ابوبکر از ایشان قرائت را فرا گرفته‌اند.

عاصم شاگرد ابوعبدالرحمن سلمی و او نیز شاگرد علی (ع) بوده که قرائت را

از ایشان اخذ کرده، نقل می‌کند. و علی (ع) نیز قرائت را از پیامبر (ص) اخذ

کرده است. پس عاصم، شاگرد علی (ع) در قرائت است». (شافعی، ۱۴۲۰ق:

(۱۳۵/۱-۱۳۴)



۴-۴- تعلیم قرائت علی (ع) از جانب پیامبر(ص) مطلبی است که خود حضرت امیر (ع) بدان اشاره کرده است. امام صادق (ع) از پدراناش از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود:

«از من راجع به کتاب خدا پرسش کنید، پس سوگند به خدا، آیه‌ای از کتاب خدا در شب و روز و در مسیر و محل اقامت رسول خدا (ص) نازل نشده است مگر آن که آن حضرت قرائت و تأویل آن را به من تعلیم داده است»  
 و در پاسخ به ابن کواء در خصوص آیاتی که در غیاب ایشان نازل می‌شد، فرمود:  
 «پیامبر خدا (ص) آنچه را که از قرآن نازل می‌شد و من غائب بودم، وقتی پیش ایشان بر می‌گشتم، بر من قرائت می‌کرد و می‌فرمود: ای علی بعد از تو چنین و چنان آیاتی را خدا نازل کرده و تاویلش چنان است. سپس تنزیل و تأویلش را به من یاد می‌داد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۸ و ۸۹ و ۱۸۶/۴۰ و طوسی، امالی، ۱۳۸۴ق: ۱۳۶/۲؛ حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۲۳؛ محمدیان، ۱۴۱۷ق: ۲۳۰ از احتجاج طبرسی، ۶۱۷/۱، رقم ۱۴۰ و سلیم بن قیس، ۱۷۵ و...؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۷۳؛ محمودی، ۱۴۲۰ق: ۵۹۹/۱)

۴-۵- و در روایتی دیگر سلیم بن قیس از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود:  
 «آیه‌ای بر پیامبر(ص) نازل نمی‌شد، مگر این که پیامبر (ص) آن را بر من قرائت می‌کرد و من آنرا با خط خودم می‌نوشتم، آن حضرت تأویل، تفسیر، نسخ، منسوخ، محکم و متشابه آن آیات را بر من آموخت و از خداوند خواست که حفظ و ضبط قرآن را به من عنایت کند.» (ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۵۳/۱۰؛ ۲۷-۲۶؛ حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۲۷-۲۵)

۴-۶- شمس‌الدین ذهبی، علی (ع) را دومین شخص از هفت قاری طبقه اول ذکر کرده است. (ذهبی، معرفه القراء الکتاب، ۱۴۱۶ق: ۱۰۵/۱؛ زرکشی، بی‌تا: ۲۴۲/۱) ایشان، علی (ع) را پسر از عثمان(رض) نقل کرده که قرآن را بر پیامبر(ص) عرضه کرده‌اند. برخی دیگر از نویسندگان اهل سنت نیز بر همین اساس، علی (ع) را دومین نفر

از صحابه معرفی کرده‌اند که به اقراء مشهور بوده‌اند. (الطویل، ۱۴۱۵ق: ۷۱؛ دمیاطی، ۱۴۰۷ق: ۱۳/۱ مقدمه شعبان محمد اسماعیل)

برخی دیگر پنج تن را سابقین در امر قرائت و فراگیری قرآن در میان صحابه دانسته‌اند که اولین آنها علی (ع) و سپس ابن عباس، اُبی بن کعب، ابودرداء و زید بن ثابت قرار دارند که در این میان به غیر از زید که نسبت به علی (ع) موضعی موافق نداشت و در روز سقیفه از قریش حمایت کرد، بقیه بر فضل علی (ع) اقرار دارند. ابن ابی الحدید نیز اُبی بن کعب را در زُمره کسانی دانسته که از بیعت با ابوبکر سر باز زدند. ابودرداء نیز دوستدار علی (ع) بود؛ چنان که در تذکره سبط ابن جوزی از ترمذی نقل شده که او گفته است: ما منافقان را نمی‌شناسیم، مگر از طریق دشمنی آنان با علی (ع) (معرفت، ۱۳۷۱ق: ۲۰۳/۲-۱۹۸)

۷-۴- عاصم از ابوعبدالرحمن سلمی نقل می‌کند که می‌گفت:

«هیچ کس را در قرائت قرآن، تواناتر از علی (ع) نیافتم.» (حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۱۷-۱۸؛ ذهبی، معرفه القراء الکبار، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۱؛ ذهبی، طبقات القراء، ۱۴۱۸ق: ۸/۱؛ ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۵۷/۱۰ از تاریخ دمشق، ۴۰۱/۴۲ و الاستیعاب، ۲۱۰/۳ و...)

و در عبارات برخی، بجای «هیچ کس» «هیچ قرشی» قرار دارد. (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق: ۴۲/۴۰۴؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۵۵)

۸-۴- ابن مسعود نیز داناترین و قاری‌ترین مردم مدینه را علی (ع) دانسته است. (حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۱۸؛ ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۵۸/۱۰)

۹-۴- عمار یاسر در پاسخ به عایشه گفت:

«...علی را قاری‌ترین مردم به کتاب خدا و ... یافتم.» (طوسی، امالی، ۱۳۸۴ق: ۱۴۳/۱)

۱۰-۴- ابن عباس از عمر (رض) نقل می‌کند که همیشه می‌گفت: داناترین فرد به قضاوت و قاری‌ترین شخص به قرآن، علی بن ابی طالب (ع) است. (حاکم حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۲۱/۱۸)

۱۱-۴- ابن مالک از ابن عباس نقل می‌کند که عبدالرحمن بن عوف چند تن از صحابه را به نماز جماعت فراخواند و علی(ع) را امام جماعت خویش قراردادند؛ زیرا آن حضرت قرآن را بهتر از دیگران قرائت می‌کرد. (همان: ۱۷)

۱۲-۴- ابوبکر بن عیاش در پاسخ بعضی که می‌گفتند: «علی قرآن را نمی‌داند، یا نمی‌خواند» گفت:

هر کس چنین گفته، دروغ گفته؛ بلکه علی(ع) سرآمد قاریان است. (همان:

۱۷-۱۸)

۱۳-۴- از جمله اموری که بر اعلیت علی(ع) به قرائت دلالت می‌کند، این است که قرائت قُرّاء سبعمه به قرائت ایشان باز می‌گردد. حمزه و کسائی بر قرائت علی(ع) و ابن مسعود قرائت می‌کردند؛ ولی مصحفشان، مصحف ابن مسعود نبود، پس قرائتشان به قرائت علی(ع) باز می‌گردد و در مورد اعراب، موافق ابن مسعود قرائت می‌کردند. و خود ابن مسعود هم گفته است که کسی را در قرائت برتر از علی(ع) ندیدم. و اما اکثر قرائتهای نافع، ابن کثیر و ابوعمر و به ابن عباس باز می‌گردد. و قرائت این سه نفر با قرائت اُبی بن کعب مخالف است. پس، قرائت اینها نیز از قرائت علی(ع) است. و اما عاصم بر ابوعبدالرحمن سلمی قرائت کرده است و سلمی نیز گفته است که کلّ قرآن را بر علی بن ابی طالب(ع) قرائت کردم. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۵۲/۲؛ ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱۴۴/۲-۱۴۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۴-۴- راهنمایی‌های علی(ع) در قرائت

۱-۱۴-۴- از زید بن ارقم روایت شده که: کسی به محضر پیامبر(ص) آمد و گفت: ابن مسعود سوره‌ای برای من قرائت کرد و همان سوره را زید و اُبی بن کعب نیز برای من خواندند و هر سه قرائت با یکدیگر اختلاف داشتند. کدام یک از این قرائتها را اختیار کنم؟ در این وقت پیامبر(ص) سکوت کرد و علی(ع) که در جوار پیامبر(ص) بود، گفت: هر کس همان طور که آموخته است قرائت کند. همه آنها خوب و زیباست.

(طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۶/۱)

۲-۱۴-۴- وقتی زید «تابوه» را قرائت کرد، علی (ع) فرمود: به شکل «التابوت» بنویس. زید نیز چنان نوشت. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۵۲/۲؛ ابن رویش، ۱۴۱۵ق: ۱۴۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۴/۸۹-۵۳)

۳-۱۴-۴- متقی هندی هفده حدیث نقل کرده که در آنها به قرائت علی (ع) به برخی از کلمات اشاره دارد که از جمله آنهاست قول ابی عبدالرحمن سلمی که گفت: به حسن و حسین (ع) قرائت می‌کردم: «و خاتم النبیین»، علی (ع) به من گفت: «خاتم النبیین» را با فتحه‌تاء اقرء کن. (متقی، ۱۴۰۹ق: ۶۰۱/۲)

از موارد چهار گانه در این فصل و از مطاوی روایات فراوان و مطالعه منابع قرآنی، این حقیقت نمایان می‌شود که کارآیی علی (ع) در قرائت بیش از همه قراء بوده است؛ تاجایی که این آگاهی و مهارت، موجب شد که اکثر قرائتهای متداول میان مسلمانان، قرآنی باشد که روایات آنها به علی (ع) منتهی می‌گردد. هر چند در پاره‌ای مصادر آمده که پیامبر (ص) ابی بن کعب را آگاه‌تر از دیگران در قرائت معرفی کرده است؛ (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۳۳/۱) اما با توجه به شواهد و قرائنی که در اختیار داریم، علی (ع) پیش از ابی - نه تنها در قرائت؛ بلکه در همه مباحث علوم قرآن - در رأس همه صحابه جایگاه شامخی داشت که هیچ کس را توان بر فرازیدن بر چنین جایگاه والایی نبود؛ ولی چه می‌شود کرد که گاهی مصالح سیاسی حکومتها، حقایق را غیر آنگونه که هست جلوه می‌دهند. در این خصوص نیز هیچ بعید نیست که حدیث سازان اموی جهت پوشاندن فضایل علی (ع)، آن فضایل را به دیگران نسبت داده باشند. ابی نیز هر چند جزو قراء مشهور زمان پیامبر (ص) بود؛ ولی ادعایی نداشت که در قرائت برتر از علی (ع) است.

برخی در توجیه این که چرا پیامبر (ص) فرمود: قرائت را از چهار نفر بگیرید (ابن مسعود، ابی، معاذ بن جبل و سالم مولی ابی حذیفه) (متقی، ۱۴۰۹ق: ۴۹/۲)، می‌گویند: پیامبر (ص) برای قوم، افرادی را که نمی‌شناختند، معرفی کرده است و کسانی مثل زید و علی را که علم و فضلشان شناخته شده است، متذکر نشده است. برخی نیز گفته‌اند که در آن زمان قاری‌تر از آن چهار تن نبود. سپس افرادی رشد یافتند و مثل یا بهتر از آن چهار نفر گشتند، مثل زید و علی (ع). (مکی بن ابی طالب، الاپانه، ۱۳۹۹ق: ۷۱) ابن

مسعود که یکی از این چهارتن است می‌گوید: من هفتاد سوره را بر پیامبر (ص) قرائت کردم و قرآن را بر خیر الناس علی بن ابی طالب (ع) ختم کردم. (خوارزمی، بی‌تا: ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۹۳/۴۰؛ ری شهری، ۱۴۲۱ق: ۵۸/۱ از المعجم الکبیر، ۷۶/۹ و تاریخ دمشق، ۴۰۱/۴۲ و امالی طوسی، ۶۰۶) سخن ابودرداء نیز گذشت که «دانشمندان سه نفرند، مردی در شام، مردی در کوفه و مردی در مدینه که مرد شامی به مرد کوفی و مرد کوفی به مرد مدنی مراجعه می‌کند ولی آن که در مدینه است از هیچ کس سؤال نمی‌کند.

#### ۵- اثرپذیری قُرَاء معروف از علی (ع)

تعداد زیادی از صحابه و تابعین و قراء معروف، قرائت را از علی (ع) اخذ کرده‌اند که در این زمینه سخن ابن مسعود را نقل کردیم مبنی بر این که بقیه قرآن را از علی (ع) اخذ کرده‌اند. ابن عباس نیز شاگرد رسمی علی (ع) بود که اعتراف او به این مسأله نیز گذشت. افراد دیگر مثل ابودرداء و عمر(رض) نیز به فضل علی (ع) اذعان کرده‌اند که بحث شد. حال بنا داریم تا شاگردان بی واسطه و با واسطه علی (ع) را در قرائت معرفی کنیم.

#### ۵-۱- شاگردان بی واسطه علی (ع) در قرائت:

۱-۱-۵- عبدالله بن مسعود - ایشان از ملازمان خاص علی (ع) بود و تمام دانش و شناخت او نسبت به قرآن، مأخوذ از علی (ع) بود و خود به این موضوع تصریح کرده است. (معرفت، ۱۳۷۱ش: ۲/۲۰۵) و از این میان است اخذ قرائتش از علی (ع). ذهبی نیز ایشان را از راویان علی (ع) برشمرده است. (ذهبی، ۱۴۱۸ق: ۲۲)

۲-۱-۵- ابوالأسود دثلی - او از خواص آن حضرت و اولین کسی است که نحو را وضع کرد و اصول آن را از پیشوای خود، علی (ع) آموخت و قرآن را اولین بار در ایام حجاج بن یوسف نقطه گذاری کرد. (معرفت، ۱۳۷۱ش: ۲/۲۰۶) و قرآن را بر علی (ع) عرضه و از ایشان قرائت کرده است. (ذهبی، ۱۴۱۸ق: ۳۶؛ حبشی، ۱۴۱۹ق: ۴۳)

۳-۱-۵- ابو عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سلمی - او قاری کوفه بود و قرائت را از ابن مسعود فراگرفت و بر علی (ع) عرضه کرد. عاصم بن ابی النجود، یحیی بن وثاب، عطاء بن سائب، شعبی و گروه زیادی، قرائت را از وی اخذ کرده‌اند. (معرفت، ۱۳۷۱ ش: ۲۰۸/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۸ق: ۳۱؛ حبشی، ۱۴۱۹ق: ۴۳؛ ابن مجاهد، بی تا: ۶۸؛ امین، ۱۴۱۸ق: ۱۸۸/۱)

۴-۱-۵- عبدالرحمن بن ابی لیلی - برخی ایشان را از جمله سه نفری دانسته‌اند که علی (ع) قرآن را بر آنها عرضه کرده است. (حبشی، ۱۴۱۹ق: ۴۳؛ دمیاطی، ۱۴۰۷ ق: ۱۳/۱، مقدمه شعبان محمد اسماعیل)

۵-۱-۵- زر بن حُبیش - او از افراد مورد وثوق و اعتماد علی (ع) بود و قرآن را از علی (ع) و ابن مسعود فرا گرفت. شعبی و ابراهیم نخعی و عاصم، قرآن را از وی فرا گرفته‌اند. (معرفت، ۱۳۷۱ ش: ۲۰۹/۲)

عاصم از زر بن حُبیش نقل می‌کند که قرآن را از اول تا آخرش بر علی (ع) در مسجد کوفه قرائت کردم و وقتی به حوامیم رسیدم، امیرالمومنین (ع) فرمود: «به عرایس قرآن رسیدی» و وقتی به آیه بیست «حم عسق» رسیدم، گریست و سر بر آسمان کرد و دعایی کرد و فرمود: «این دعایی است که حبیب رسول الله (ص) به من یاد داد و فرمود به هنگام ختم قرآن بخوانم. (خوارزمی، بی تا: ۴۳)

۶-۱-۵- ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی - او از بزرگان تابعین است و در دانش و قرآن و تفسیر، پیشوا بود. علوم جدید را از علی (ع)، ابن مسعود و ابی بن کعب و ابن عباس و چند تن دیگر فراگرفت. (معرفت، ۱۳۷۱ ش: ۲۰۹/۲) ایشان از علی (ع) روایت کرده است. (ذهبی، طبقات القراء، ۱۴۱۸ق: ۳۷)

## ۲-۵- شاگردان با واسطه علی (ع) در قرائت:

علاوه بر شش نفر مذکور که از صحابه و تابعین بودند، افراد دیگری نیز از تابعین و غیره وجود داشتند که با وساطت یکی از این شش نفر، شاگرد علی (ع)، در قرائت بودند که عبارتند از:

۱-۲-۵- نصرین عاصم لثمی بصری - او شاگرد ابوالاسود دثلی و شیخ القراء بصره بود و بیشتر قراء بعدی، قرائت را از وی آموختند. او به همراهی یحیی بن یعمر قرآن را برای اولین بار نقطه گذاری کردند و آن را به اجزاء پنج گانه و ده گانه تقسیم نمودند. او در سال ۱۰۰ هجری درگذشت. (معرفت، ۱۳۷۱ش: ۲/۲۱۱) ایشان قرآن را بر ابی الاسود قرائت کرد. و بنا بر نظر ابو عمر ودانی، عبدالله بن اسحاق حضرمی و ابو عمرو بن علاء قرائت را عرضاً از ایشان نقل کرده اند. (ذهبی، معرفه القراء الکبار، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۷۰)

۲-۲-۵- مجاهد بن جبرمکی - او سه مرتبه [سی مرتبه بنا بر نظر ذهبی] (معرفه القراء الکبار، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۶۴) قرآن را نزد ابن عباس [شاگرد خاص علی (ع)] خوانده و قرائتش را بر او عرضه کرده است و تأویل و تنزیل هر آیه را از او پرسیده است. هر چند مجاهد در تفسیر نقش برتری داشته تا قرائت؛ ولی با وجود این افراد زیادی قرائت را از وی فرا گرفته اند که از جمله آنها - بنا به نقل ابن حجر - عبدالله بن کثیر است. او در سال ۱۰۲ هجری در گذشته است. (معرفت، ۱۳۷۱ش: ۲/۲۱۲)

۳-۲-۵- یحیی بن یعمر عدوانی - ابن سعد او را از علمای نحو و عربیت و قرآن و قاضی مرو و یمن و از فصحای زمان خود معرفی کرده است. دانش او به لغت، بیش از دیگران بود، تقوی و ورع شدیدی داشت. او و مصاحبش نصر بن عاصم از شاگردان ابوالاسود دثلی بودند. او از معاریف شیعه به شمار می رفت که حجاج او را به مرو تبعید کرد و قتیبه بن مسلم، منصب قضای آنجا را بدو سپرد و در سال ۱۲۰ هجری درگذشت. (همان، ۲/۲۱۵-۲۱۴)

برخی از متأخرین معتقدند که او اولین کسی است که در قرائت، کتابی تألیف کرد. (فضلی، ۱۹۸۰م: ۲۷. آل اسماعیل، ۱۴۲۱ق: ۹۹) ابن خلکان نیز ایشان را از قرای

بصره برشمرد که عبدالله بن اسحاق از ایشان اخذ قرائت کرده است. ایشان عالم به قرآن و از شیعیانی بود که قائل به تفضیل اهل بیت (ع) بودند. (امین، ۱۴۱۸ق: ۱/۱۸۸)

۴-۲-۵- عیسی بن عبدالرحمن بن ابی لیلی - او و برادرش محمد بر پدرش و او بر علی (ع) قرائت کرده است. (دانی، الأرجوزه، ۱۴۲۰ق: ۱۲۳-۱۲۲؛ ذهبی، معرفه القراء الکبار، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۶۹)

۵-۲-۵- سعیدبن جبیر - ایشان بر ابن عباس قرائت کرده و ابو عمر بن علاء و منهال بن عمرو بر او قرائت کرده اند. (ذهبی، معرفه القراء الکبار، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۶۵)

۶-۲-۵- عاصم بن ابی النجود اسدی کوفی - او که از قراء سبعة است، قرآن را نزد ابو عبدالرحمن سلمی و زرّبن حُبیس خواند و گروه بی شماری قرائت را از وی فرا گرفتند. پس از استادش سلمی، امامت قرائت در کوفه به وی رسید. (معرفت، ۱۳۷۱ش: ۲/۲۱۵)

ابوبکر بن عیاش از عاصم نقل می کند که کسی جز ابو عبدالرحمن سلمی حرفی از قرآن را بر من اقراء نکرد و ایشان نیز بر ابن مسعود قرائت کرده بود. و من از پیش ابو عبدالرحمن برمی گشتم و بر زرّ عرضه می کردم که او نیز بر ابن مسعود قرائت کرده بود. (ذهبی، طبقات القراء، ۱۴۱۸ق: ۸/۱)

حفص نیز از عاصم نقل می کند که: آنچه از قرائت بر تو خواندم، قرائتی است که بر ابی عبدالرحمن خواندم و او از علی بن ابی طالب (ع) فرا گرفته است. و اما آنچه بر ابابکر بن عیاش قرائت کردم، قرائتی است که بر زرّبن حُبیس عرضه کردم که او نیز از ابن مسعود فرا گرفته بود. (الطویل، ۱۴۱۵ق: ۸۱؛ ابن زنجله، ۱۴۱۸ق: ۵۸؛ مشابیهش در قاسم بن سلام، ۱۴۱۵ق: ۳۵۹ از السبعة فی القرائتها، ۷۰ و معرفه القراء الکبار، ۱/۵۲ و ۹۲ و ۸۸)

۷-۲-۵- حفص بن سلیمان - او قرائتش را از عاصم اخذ کرده است و از صدر اول تا عصر ما، قرائت متداول بین مسلمانان، قرائتی است که منطبق با قرائت عاصم به روایت حفص است. و این، دو علت دارد:



اوّل این که حفص و عاصم به آنچه که با قرائت عموم و روایت صحیح و متواتر بین مسلمین موافق بود، سخت پای بند و علاقه مند بودند و آن، قرائتی است که عاصم از سلمی از علی(ع) اخذ کرده است. و علی(ع) نیز به هیچ قرائتی جز آنچه بانصّ اصلی وحی که بین مسلمانان متواتر است، متمسک نمی شده است.

دوّم اینکه عاصم در بین قُرّاء معروف، به خصائلی ممتاز بوده که شخصیتی قابل توجه به او بخشیده است. وی بی نهایت ضابطی استوار و در اخذ قرآن از دیگران، بسیار محتاط بود و لذا قرائت را از کسی غیر از سلمی از علی(ع) اخذ نمی کرد و آن را بر زرّین حُبیبش که قرائت را از ابن مسعود آموخته بود، عرضه می کرد. (همان، ۲۸۳/۲-۲۸۲)

### ۳-۵- قرائت علی(ع) مرجع قراء سبعة

همه پیشکسوتان قرائت قرآن، در قرائت خود به علی(ع) رجوع می کنند. افرادی چون ابو عمرو بن علاء، عاصم و جز این دو؛ چون قرائت آنان به سلمی منتهی می شود و او شاگرد علی(ع) بود و قرآن را از او آموخته بود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷:ق/۱-۲۸/۲۷) مؤلفان «معجم القرائتها القرآنیة» با اشاره به مصحف علی(ع) و ارتباط آن با قرائت حضرت، می گویند: قرائت چهار نفر از قراء سبعة به طریق زیر به علی(ع) می رسد:

۱- ابو عمرو بن علاء بر نصر بن عاصم و یحیی بن یعمرو آن دو بر ابو الاسود و او بر علی(ع) قرائت کرد. (ابن جزری، بی تا: ۱۳۳/۱)

۲- عاصم بر ابی عبدالرحمن و او بر علی(ع) قرائت کرد. (همان: ۱۵۵/۱)

۳- حمزه زیات بر جعفر صادق(ع) و او بر پدرش محمد باقر(ع) و او بر پدرش زین العابدین(ع) و او بر پدرش سید جوانان بهشت حسین(ع) و او بر پدرش علی بن ابی طالب(ع) قرائت کردند. (همان: ۱۶۵/۱)

۴- کسائی بر حمزه و او به ترتیب فوق قرائت کرده است. (همان: ۱۷۲/۱: احمد مختار عمر و...: ۱۴۱۲:ق/۱۴/۱)

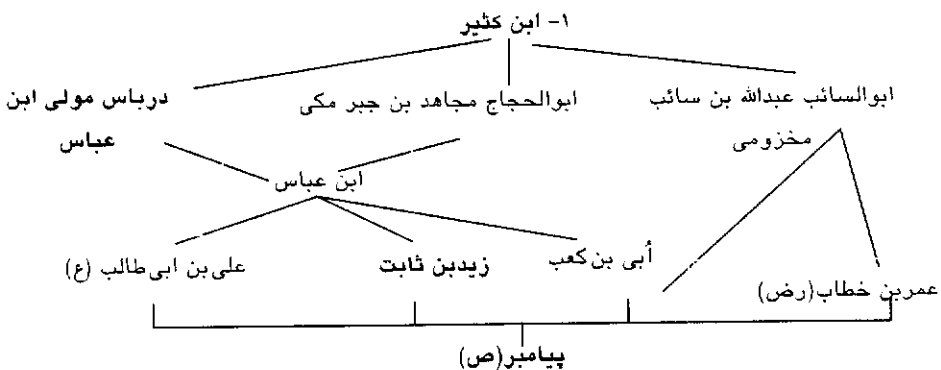
بغوی نیز قرائتهای عاصم، حمزه و کسائی را به علی(ع) مرتبط کرده است؛ جز این که در مورد حمزه گفته است که او بر عبدالرحمن بن ابی لیلی و سلیمان بن مهران

اعمش و عمدان بن اعین و دیگران قرائت کرده است. عبدالرحمن نیز بر جماعتی از اصحاب علی (ع) قرائت کرده است. و سلیمان بن اعمش هم بر یحیی بن وثاب قرائت نموده است. و یحیی بر جماعتی از اصحاب عبدالله قرائت کرده است. عمدان نیز بر ابو الاسود و او بر عثمان و علی (ع) قرائت کرده است. (بغوی، ۱۴۲۲ق: ۸/۱)

اما علامه مجلسی، قرائت شش تن از قراء سبعة را به غیر از قرائت ابن عامر به قرائت علی (ع) مستند دانسته می گوید: حمزه و کسائی در قرائت خود متکی به علی (ع) و ابن مسعود بودند، ولی مصحفشان، مصحف ابن مسعود نبود؛ لذا این دو در قرائت به علی (ع) رجوع می کردند. و با ابن مسعود در اعراب هماهنگ می شدند و ابن مسعود می گفت: کسی را قاری تر از علی (ع) نیافتم. اما نافع و ابن کثیر و ابو عمرو، عمده قرائتهایشان به ابن عباس باز می گردد و ابن عباس بر اُبی بن کعب و علی (ع) قرائت می کرد. و قرائتهای این سه نفر با قرائت اُبی بن کعب متفاوت بود، پس قرائتشان از قرائت علی (ع) مأخوذ است.

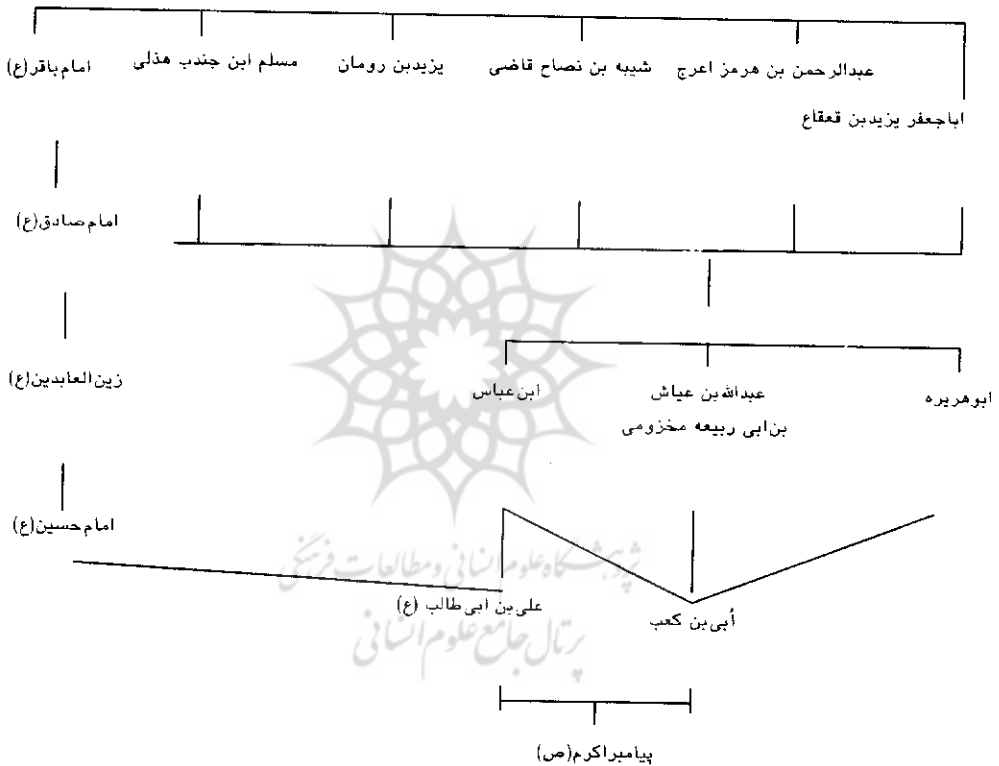
و اما عاصم، قرآن را بر ابی عبدالرحمن سلمی قرائت کرد و او می گفت: سراسر قرآن را بر علی (ع) قرائت کردم. لذا گفته اند: فصیح ترین قرائتها، قرائت عاصم است زیرا در قرائت، اصل و اساس را ارائه کرده است؛ بدین صورت که عاصم آنچه را که دیگران به ادغام می خواندند، اظهار می کرد، و آنچه را دیگران تسهیل و تلیین می کردند، با تخفیف همزه می خواند، و اماله دیگران را با الف قرائت می کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۵۲/۲)

پس از نقل برخی اقوال، ارتباط قراء سبعة را در قالب نمودار می آوریم:



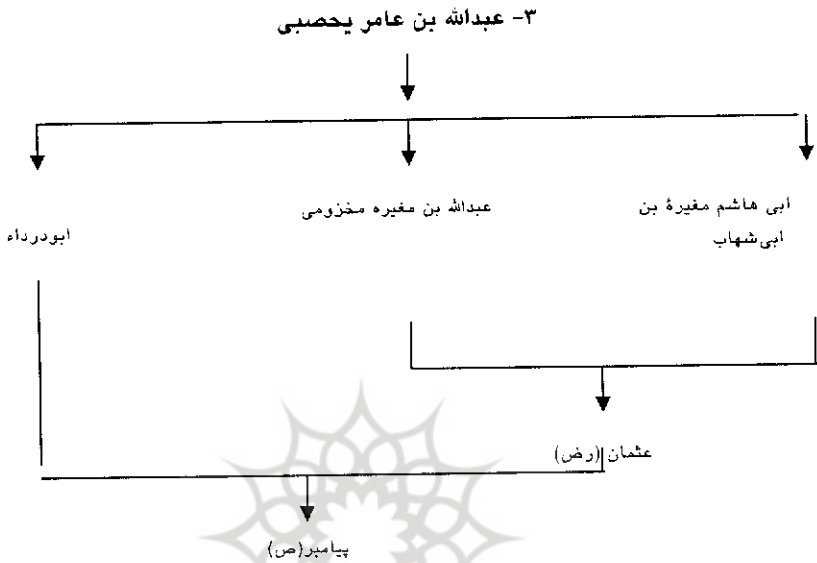
غالب نویسندگان اهل سنت، منشاء قرائت ابن عباس را اُبی بن کعب و زید بن ثابت دانسته‌اند؛ ولی نویسندگان شیعه به جای زید، علی (ع) را منشاء قرائت ابن عباس می‌دانند. (ابن ابی مریم، ۱۴۱۴ ق: ۱/۱۰۸؛ محسن، القرائتها، ۱۴۱۸ ق: ۱/۷۳-۷۲؛ دانی، التیسیر، ۱۹۳۰ م: ۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۸۹/۵۴-۵۳؛ مناقب آل ابی طالب، ۴۳/۲-۴۲)

## ۲- نافع



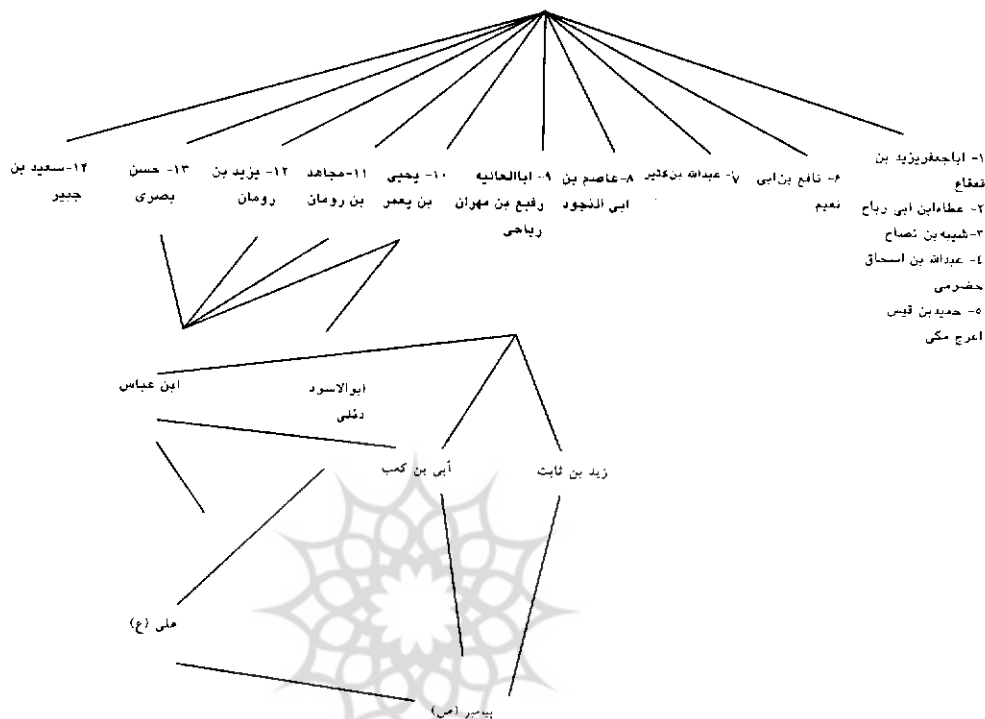
اهل سنت، قرائت نافع را از طریق ابن عباس به اُبی بن کعب مرتبط دانسته‌اند؛ (ابن ابی مریم، ۱۴۱۴ ق: ۱/۱۱۱؛ ابن جزری، بی تا: ۱/۱۱۲؛ ابن مجاهد، بی تا: ۶۳-۵۴؛ دانی، التیسیر، ۱۹۳۰ م: ۸) ولی بحار و برخی کتب دیگر شیعی، قرائت ابن عباس را از طریق علی (ع) به پیامبر (ص) صحیح دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵۴-۵۳؛ ابن شهر آشوب،

۱۴۱۲ق: ۵۲-۵۳/۲) و برخی نیز قرائت نافع را از طریق امام باقر(ع) از پدرانش به علی(ع) عنوان کرده‌اند. (مجدد، ۱۳۷۵ش: ۶۲/۱ از ستر البیان)



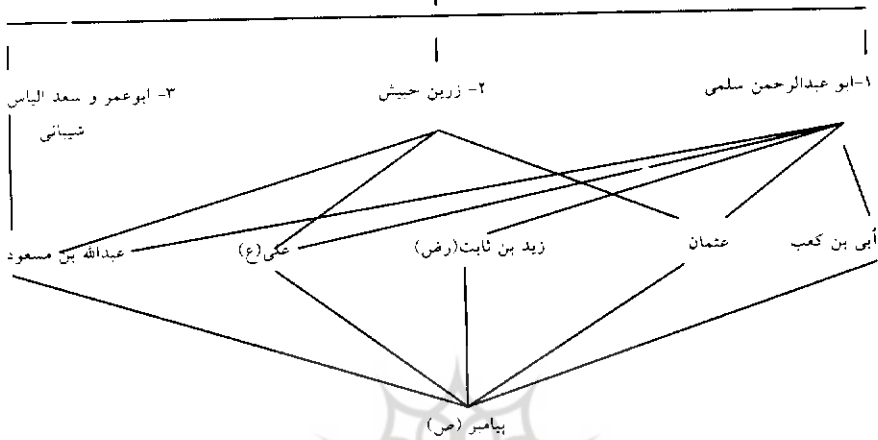
ابن عامر، تنها قاری از قُرَاء سبعه است که در طریق ایشان اثری از قرائت علی(ع) مشاهده نمی‌شود. و قرائت ایشان از طریق ابو درداء و عثمان(رض) به پیامیر(ص) می‌رسد. (ابن جزری، بی تا: ۱۴۴/۱؛ ابن مجاهد، بی تا: ۸۵؛ محیسن، القرائتها، ۱۴۱۸ق:

## ۴- ابو عمرو بن علاء



طریق ابن علاء نیز بدین ترتیب از جانب اُبی، زید و علی (ع) بر پیامبر (ص) می‌رسد؛ (ابن جزری، بی تا: ۱۲۳/۱؛ ابن مجاهد، بی تا: ۸۳؛ محیسن، القرائتها، ۷۵/۱-۷۴؛ ابن ابی مریم، ۱۴۱۴ق: ۱۱۷/۱؛ اصفهانی، ۱۴۰۸ق: ۳۸-۳۷). ولی با توجه به آنچه گفته شد قرائت ایشان مطابق قرائت اُبی نبود؛ لذا قرائت وی نیز از طریق علی (ع) به پیامبر (ص) می‌رسد.

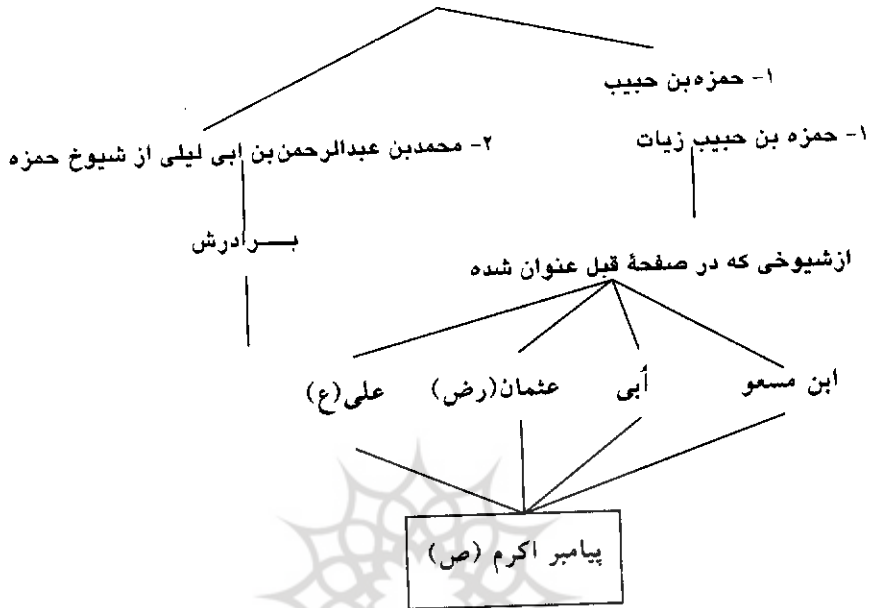
۵- عاصم بن ابی النجود



و اما طریق عاصم قوتش بر دیگر قراء سبعة مشخص است و همه نویسندگان کتب قرائت به گونه‌ای طریق مذکور را متذکر شده‌اند. (ابن جزری، بی تا: ۱/۱۵۵؛ ابن مجاهد، بی تا: ۷۰-۶۹؛ دانی، الأرجوزه، ۱۴۲۰ق: ۲۰، ابن ابی مریم، ۱۴۱۴ق: ۱/۱۱۸-۱۱۷؛ محسن، المُنغنی، ۱۴۱۳ق: ۳۰؛ دانی، التیسیر، ۱۹۳۰م: ۹؛ خمیس، ۱۴۱۶ق: ۲۶)



## ۷- کسائی



همان گونه که در مورد حمزه گفته شد، غالب شیوخ کسائی نیز به ابن مسعود و علی (ع) می‌رسند؛ ولی از آنجا که قرائت کسائی نیز همانند قرائت ابن مسعود نیست، پس قرائت او نیز به قرائت علی (ع) بر می‌گردد. (امین، ۱۴۱۸ ق: ۱۸۹/۱؛ ابن مجاهد، بی‌تا: ۷۸؛ ابن ابی مریم، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۳/۱)

آنچه از این فصل به دست می‌آید، این است که قرائت اکثر قراء سبعه به غیر از ابن عامر یحصی به قرائت علی (ع) می‌رسد. و اما آنچه امروزه در جهان اسلام متداول است، قرائت عاصم به روایت حفص است که آن هم از طریق ابو عبدالرحمن سلمی به علی (ع) منتهی می‌گردد. پس قرائت امروز جهان اسلام براساس قرائت علی (ع) است.

## ۶- قرائتها منسوب به علی (ع)

قرائتهای شاذی در کتب قرائتها مثل «المحتسب» ابن جنی و کتب تفسیر مثل «البحر المحيط» ابو حیان به علی (ع) نسبت داده شده که مورد پذیرش عامه و خاصه نیست و



هیچ یک از علمای شیعی و سنی بر قرائتی که از طریق شاذ از علی (ع) رسیده باشد، حکمی و فتوایی صادر نکرده‌اند. تنها قرائتهای از علی (ع) مورد قبول است که از طُرُق متواتر و از جانب شیوخ مشهور قرائت به دست مسلمین رسیده باشد و آنان نیز در طی قرون متمادی براساس آن قرائت کرده‌اند و مشهورترین آنها قرائتها قُرَاءِ سَبْعَه است و از میان ایشان نیز، قرائت عاصم به روایت حفص مورد اتفاق مسلمین است و آن به جهت سند طلایی و اعتبار حفص و عاصم است که قرائتشان از طریق ابو عبدالرحمن سُلمی به امام علی (ع) و از طریق ایشان به پیامبر (ص) منتهی می‌گردد.

پس از بحث مقدماتی در این فصل که سخن اول و آخر ماست، برخی اقوال صاحبان کتب قرائت را در خصوص قرائتهای منسوب به علی (ع) یادآور می‌شویم:

احمد البیلی، اختلاف قرائتهای منسوب به علی (ع) را از سه جهت دانسته و برای هر کدام مثالی زده که عبارتند از:

### الف - اختلاف در ضبط و شکل (اعراب) و نقطهٔ اعجام مثل:

۱- در آیه «أَيَاكَ نَعْبُدُ وَأَيَاكَ نَسْتَعِينُ» (الفاتحه. ۵) از علی (ع) نقل شده که «أَيَاكَ» به فتح همزه و الف غیر مماله خوانده‌اند. (البیلی، ۱۴۰۸ق: ۲۵۴ از *شواذ القرآن*، ۱۵)

۲- در آیه «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (بقره/۵۱) کسرهٔ باء «اربعین» به طور شاذ به علی (ع) و عیسی بن عمر نسبت داده شده است. (ابوحیان، ۱۴۱۳ق: ۳۵۷/۱؛ البیلی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۰)

۳- در آیه «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (بقره/۱۶۸)، «خَطَوَاتِ» و «خَطُّوَاتِ» به علی (ع) منسوب است (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۴۵۸/۱؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۲۰۴/۱؛ البیلی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۳-۱۷۴) که اولی در معنا با وجه متواتر آن، به معنی پیروی از آثار شیطان است، یکسان می‌باشد؛ ولی دومی از خطا گرفته شده و مغایر معنی متواتر آن است. (البیلی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۲-۱۷۴)

- ۴- در آیه «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا... فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره/۱۸۲) قرائت «جَنَفًا» به علی (ع) منسوب است که به معنی «بخس و ظلم» است و «جَنَفًا» نیز به معنی «جور و میل» است که از لحاظ معنی خیلی فرق نمی‌کنند. (قرطبی، ۱۴۰۵ ق: ۲۷۰/۲؛ ابوحیان، ۱۴۱۳ ق: ۲۸/۲؛ البیلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۸۶-۱۸۵)
- ۵- در آیه «وَإِنَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ قَرَضْتُمْ لَهُمْ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا قَرَضْتُمْ» (بقره/۲۳۷)، قرائت «نُصْفًا» به علی (ع) و زید بن ثابت منسوب است که از لحاظ مفهوم یکسانند و به عنوان دو لهجه مطرح‌شد. (ابوحیان، ۱۴۱۳ ق: ۲۴۴/۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ق: ۲۰۴/۳؛ البیلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۴۴)
- ۶- در آیه «وَ عَلَى الْمَوْلودِله رزقهنَّ و کسوتهنَّ بالمعروف» (بقره/۲۳۳)، قرائت «کُسُوْتُهُنَّ» از طریق سلمی و دیگران به علی (ع) منسوب است که باز از حیث معنی فرقی ندارند. (البیلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۴۲ از شواذ القرآن / ۴۰ و ابوحیان، ۲/۱۴ و مختصر شواذ القرآن / ۱۴)

### ب - اختلاف صرفی:

- ۱- در آیه «كُلٌّ مِنَ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...» (بقره / ۲۸۵)، قرائت «کتابه» به جماعتی از کوفیین، ابن عباس، علی (ع) و طلحه بن مصرف منسوب است که تفاوتی در معنی حاصل نمی‌شود. (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۲/۳؛ زمخشری، بی‌تا: ۱۷۱/۱؛ البیلی، ۱۴۰۸ ق: ۳۶۷-۳۶۸ از شواذ القرآن، ۴۶ و ...؛ ازهری، ۱۴۲۰ ق: ۹۳)
- ۲- در آیه «فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ.» (بقره/۵۵)، قرائت «الصَّعِقَةُ» به عمر(رض)، عثمان(رض) و علی (ع) منسوب است. فرق دو قرائت در این است که قرائت متواتر اسم معنی است؛ ولی قرائت شاذ، اسم مره است و رسم عثمانی تحمل هردو قرائت را دارد. (کشاف، بی‌تا: ۷۰/۱؛ ابوحیان، ۱۴۱۳ ق: ۳۷۲/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ق: ۴۰۴/۱؛ البیلی، ۱۴۰۸ ق: ۳۷۲-۳۷۳ از اتحاف فضلاء البشر، ۱۳۷)

## ج - اختلاف نحوی:

۱- در آیه «وَ وَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ...» (بقره/۱۳۹)، قرائت مشهور، رفع یعقوب بنا بر عطف بر ابراهیم است؛ ولی نَصَبُ آن به علی (ع) منسوب است بنا بر این که معطوف بر «بنیه» باشد که مفعول «وَصَّى» بود. قرائت شاذّ دلالت می‌کند که ابراهیم (ع) نوه‌اش یعقوب را نیز وصیت کرد؛ ولی اختلاف است که آیا یعقوب (ع) در حیات ابراهیم به دنیا آمده بود و یا نه، (البیلی، ۱۴۰۸ق: ۳۰۷-۳۰۴ از فتح القدیر، ۱/۱۴۵ و البدایه و النهایه، ۱/۱۶۲)

۲- در آیه «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ...» (بقره/۱۴۷) جمهور «الحق» را به رفع خوانده‌اند که متبدا است و به علی (ع) منسوب است که آن را به نصب خوانده که مفعول برای فعل محذوف باشد (الزم الحَقُّ) (ابوحیان، ۱۴۱۳ق: ۶۱۰/۱؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق: ۱۴/۲)

۳- در آیه «وَأَنبَأُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...» (البقره/۱۶۹) رفع «الْعُمْرَةُ» به علی (ع)، ابن عباس و ابن مسعود و دیگران منسوب است و لذا شافعی، احمد و برخی دیگر عمره را واجب دانسته‌اند؛ ولی مشهور در مذهب ابوحنیفه، مالک [و امامیه] استحباب آن است. (البیلی، ۱۴۰۸ق: ۳۱۷-۳۱۶ از فتح الباری، ۳/۵۹۷)

نویسندگان «معجم القرائتها» نیز قرائتها شاذّ منسوب به علی (ع) را رد کرده، می‌گویند:

مصحف علی (ع) جز در مواردی که با رسم عثمانی قابل جمع بود، تفاوتی نداشت. علی (ع) مصحفش را بر اساس آنچه از پیامبر (ص) شنیده بود، نوشت و مصحف ابوبکر نیز در حضور ایشان نوشته شد. پس اگر خلافتی در آن از حیث ترتیب و تباین در زیادی و نقصان بود، نظرش را بروشنی بیان می‌داشت و با آن جایگاهی که ایشان در اسلام داشت، سزاوار نبود که در خصوص چیزی از قرآن که مورد رضایتش نبود، ساکت بنشیند؛ در حالی که مصحف، دستور است و ستون اعتقادی مسلمانان بود... قرائت علی (ع) در مصحفش خارج از چهارچوب رسم عثمانی نیست، و آنچه از علی (ع) از

قرائنها روایت شده است و با رسم عثمانی متفقند، شاذند و متواتر نیستند و سندشان نیز قوی نیست. همانند قرائنها زیر:

- ۱- «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا» (التوبه/۱۱۸) به قرائت عامه و «خَالَفُوا» به قرائت علی (ع). (احمد مختار عمرو... و ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۱۱۲/۵)
- ۲- «ثُمَّ تَنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا» (مریم/۷۲) به قرائت عامه و «نَحَى» به قرائت علی (ع). (احمد مختار عمرو... و ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۱۹۸/۶)
- ۳- «يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا» (يس/۵۲) به قرائت عامه و «مِنْ بَعِثْنَا» به قرائت علی (ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۶۶۹/۸؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۳۲۵/۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۴۱/۱۵؛ احمد مختار عمر، ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱)
- ۴- «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا» (بقره/۱۸۲) به قرائت عامه و «حِيفًا» به قرائت علی (ع). (احمد مختار عمرو... و ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۲۴/۲)
- ۵- «لَنْبُوتَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» (نحل/۴۱) به قرائت عامه و «لَنْتُوتَنَّهُمْ» به قرائت علی (ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۵۵۶/۶؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۴۷۷/۵؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۵۲/۲؛ احمد مختار عمر... و ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵)
- ۶- «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» (اسراء/۱۶) به قرائت عامه و «أَمَرْنَا» به قرائت علی (ع). (ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۶۰/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۶۲۴/۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۲۳۳/۱۰-۲۳۲؛ احمد مختار عمرو... و ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵)
- ۷- «لَنْحَرِقَنَّهُ» (طه/۹۷) به قرائت عامه و «لَنْحَرَقَنَّهُ» به قرائت علی (ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۴۵/۷؛ زمخشری، بی تا؛ ۴۴۶/۲؛ قراء، ۱۳۶۰ش: ۱۹۱/۲؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۲۵۷/۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۵۳/۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۲۴۲/۱۱؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۱۰/۲؛ احمد مختار عمرو... و ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵)
- ۸- «خَطُّوَاتِ الشَّيْطَانِ» (نور/۲۱) به قرائت عامه و «خَطُّوَاتِ الشَّيْطَانِ» به قرائتھا علی (ع). (احمد مختار عمر، ۱۴۱۲ق: ۱۶/۱-۱۵؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۱۴۹/۲)

البته در کنار این قرائتها که با رسم عثمانی متفقند، قرائتها دیگری نیز به صورت شاذ از علی(ع) نقل شده است که از حیث رسم با مصحف عثمانی متفاوتند که از جمله آنهاست:

۱- «يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ» (كهف/۷۷) به قرائت عامه و «يُرِيدُ أَنْ يَنْقَاصُ» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۷۴۹/۶؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۷۶/۲؛ احمد مختار عمر، ۱۴۱۲ق:

(۱۸/۱)

۲- «حَصَبُ جَهَنَّمَ» (انبیاء/۹۸) به قرائت عامه و «حطب جهنم» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۰۰/۷؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۳۱۶/۶-۳۱۵؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۳۴۳/۱۱؛ فراء، ۱۳۶۰ش: ۲۱۲/۲؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۱۱۱/۲؛ البیلي، ۱۴۰۸ق: ۱۴۹؛ احمد مختار عمرو...، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)

۳- «قَدَمَرٌ نَاهِمٌ تَدْمِيرًا» (فرقان/۳۶) به قرائت عامه و «قَدَمَرٌ أَنَّهُمْ...» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۲۶۴/۷؛ زمخشری، بی تا: ۹۷/۳؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۴۵۷/۶؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۶/۲؛ احمد مختار عمرو...، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)

۴- «فَلَمَّا أَسْلَمَا» (صافات/۱۰۳) به قرائت عامه و «فَلَمَّا سَلَمَا» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۷۰۵/۸؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۹/۲-۲۶۸؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۳۵۵/۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۴/۱۵؛ احمد مختار عمر، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)

۵- «يا مالک» (زخرف/۷۷) به قرائت عامه و «يامال» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۸۶/۹؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۳۰۴/۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۶/۱۶؛ زمخشری، بی تا: ۴۲۶/۳؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۲۷-۲۸/۸؛ احمد مختار عمر، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)

۶- «أَوْ آثَارَةٌ مِنْ عِلْمٍ» (احقاف/۴) به قرائت عامه و «أَوْ آثَرَةٌ» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴/۹؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ق: ۳۱۲/۲؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۵۶/۸؛ احمد مختار عمر، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)

۷- «بوالديه احساناً» (احقاف/۱۵) به قرائت عامه و «حسنا» به قرائت علی(ع). (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۸/۹؛ ابوحيان، ۱۴۱۳ق: ۶۰/۸؛ احمد مختار عمر...، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)

## نتیجه

- ۱- برخی نویسندگان سعی کرده‌اند تا از بعضی از این قرائتهای شاذ، دفاع کنند: ولی مصحف علی(ع) جز در موارد تفسیر، شأن نزول، تاویل و ترتیب نزول، تفاوتی با مصحف عثمانی نداشت.
  - ۲- قرائتهای منسوب به علی(ع) غیر متواتر و شاذند و جز آنچه از طریق قاریان مشهور و معتبر، مخصوصاً از طریق حفص از عاصم به ما رسیده است، مقبول نیستند.
  - ۳- از آثار تاریخی برمی‌آید که علی(ع) در یکسان سازی مصاحف، باعثمان(رض) موافق بود و هیچ عکس‌العمل منفی در این خصوص نشان نداد.
  - ۴- همه قرائتهای شاذی که ابن جنی به علی(ع) نسبت داده، شصت قرائت است که شاذ بودنشان یا از جهت مخالفت با رسم عثمانی است و یا از جهت ضعف سند که هیچ کدام به قوت قرائتها سبع نمی‌رسد. (احمد مختار عمر و...، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱)
- به عنوان نمونه صاحب مبنائی در مقدمتان، قرائت «والعصر ونواب الدهر» را باطل دانسته است و از یحیی بن آدم از ابوبکر بن عیاش نقل می‌کند که عاصم به من گفت: جز سلمی کس بر من قرائت نکرده است و او نیز بر علی(ع) قرائت کرده است. و من از نزد ابو عبدالرحمن برمی‌گشتم و بر زربن خبیش عرضه می‌کردم و زرم بر ابن مسعود قرائت کرده بود. سپس ابوبکر گفت که به عاصم گفتم: من قرآن را از طریق موثقی دریافت کردم. ابو عبد الرحمن از علی(ع) روایت کرد «والعصر ان الانسان لفي خسر» به شهادت عاصم بر ابو عبدالرحمن. و روایت ابو عبد الرحمن هر روایتی را در قرائت از علی(ع) نسخ می‌کند؛ چرا که او نزد علی(ع) جایگاه خاصی داشت.
- سپس صاحب مبنائی می‌گوید: راوی «والعصر و نواب الدهر» دروغ گفته و با فراموش کرده است. (همان، ۱۸/۱۹/۱ از مقدمتان فی علوم القرآن ۱۰۳)

۵- علی (ع) آشناترین فرد به قرائت بودند و قرائتهای ایشان به قراء بعدی منتقل شده است و مخصوصاً قرائت عاصم به روایت حفص نزدیکترین قرائت به قرائت آن حضرت است.

در نقل و بررسی قرائتهای منسوب به علی (ع) به همین حد اکتفا می‌کنیم و مشتاقان را به کتابهای قرائت و تفسیری که در این خصوص بحثهای ویژه‌ای دارند، ارجاع می‌دهیم. کتابهایی مثل *الایانه و التبصره* مکی بن ابی طالب، *مجمع البیان*، *کشاف*، *محاسب*، *بحر المحيط*، *تفسیر کبیر فخر*، *تفسیر قرطبی*، *معانی القرآن* فراء و اخفش، *اتحاف فضلاء البشر*، *تفسیر طبری*، *النشر ابن جزری*، *المبسوط اصبهانی*، *اعراب القرآن* نحاس، *الاختلاف بین القرائتها احمد یبلی*، *التبیان طوسی*، *غیث النفع صفاقسی*، *فیض الرحیم فی قرائتها القرآن و قرائتها اهل البیت القرآنیة* نوشته رفیعی و...

### منابع

۱. قرآن مجید
۲. آلوسی، محمود (۱۴۰۵) *روح المعانی*. چاپ چهارم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. آمدی، محمدگوزل (بی تا) *میزان الحق* (بی جا).
۴. آل اسماعیل، نبیل بن محمد ابراهیم (۱۴۲۱) *علم القرائتها*. نشأته. چاپ اول. ریاض: مکتبه التوبة.
۵. ابن ابی الحدید، ابی حامد عزالدین (۱۴۰۷) *شرح نهج البلاغه*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ اول. بیروت: دارالجمیل.
۶. ابن ابی مریم، نص. بن علی (۱۴۱۴) *کتاب الموضح فی وجوه القرائتها وعللها*. تحقیق عمر حمدان کبسی. چاپ اول. مکه: جماعه خیره لتحفیظ القرآن.
۷. ابن اثیر جزری، محمد بن محمود دمشقی (بی تا) *النشر فی القرات العشر*. تصحیح علی محمد الضباع. (بی جا) دارالکتب العربی.

٨. ابن جنّي، ابوالفتح عثمان (١٤١٩) المحتسب في تبيين وجوه شواذ القرائتها و الايضاح عنها، تحقيق محمد عبد القادر عطاء. چاپ اول. بيروت: دارالكتب العلميه.
٩. ابن جوزي، ابو الفرج عبد الرحمن بن علي (١٤٠٨) فنون الافنان في عجائب علوم القرآن. تحقيق رشيد عبدالرحمن العبيدي. بغداد: مطبعة الجامع العلمي العراقي.
١٠. ابن حجر عقلاني، احمد بن علي (١٣٢٨) الأصابه في تمييز الصحابه و بهامشه الاستيعاب في معرفة الاصحاب لابن عبد البر اسمرى القرطبي. چاپ اول بيروت: دار احياء التراث العربي.
١١. ابن رويش، اندلسي (١٤١٥) المقتطفات. چاپ اول. تهران: انتشارات معاونت فرهنگي مجمع جهاني اهل البيت (ع).
١٢. ابن زنجله، ابوزرعه عبدالرحمن بن محمد (١٤١٨) حُجَّه القرائتها. تحقيق سعيد افغاني. چاپ پنجم. بيروت: مؤسسه الرساله.
١٣. ابن شهر آشوب مازندراني، ابى جعفر بن علي (١٤١٢) مناقب آل ابى طالب (ع). تحقيق و تصحيح يوسف بقاعي. چاپ دوم. بيروت: دار الأضواء.
١٤. ابن عبدالبر قرطبي، يوسف بن عبدالله (١٤١٥) الأستيعاب في معرفة الأصحاب. با تحقيق على محمد معوض و... چاپ اول. بيروت: دار الكتب العلميه.
١٥. ابن عساكر، ابى القاسم على بن الحسن الشافعي (١٤١٧) تاريخ مدينه دمشق. تحقيق على شيرى. چاپ اول. ج ٤٢. بيروت: دار الفكر.
١٦. ابن مجاهد، ابى بكر احمد بن موسى تميمى بغدادى (بى تا) كتاب السبعه في القراءت. تحقيق دكتور شوقى ضيف. چاپ سوم. قاهره: دارالمعارف.
١٧. ابن منظور، لسان العرب، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٨ق، چاپ اول.
١٨. ابوحيان اندلس، محمد بن يوسف، تفسير البحر المحيط، تحقيق عادل احمد و... چاپ اول. بيروت: دارالكتب العلميه.
١٩. ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله (بى تا) حليه الاولياء و طبقات الاصفياء. بيروت: دارالكتب العلميه.



۲۰. احمدبن، حنبل(۱۴۰۳) کتاب فضائل الصحابه. تحقیق وصی الله بن محمد عباسی. چاپ اول. مکه: دارالعلم للطباعه والنشر.
۲۱. احمد مختار، عمرو عبدالعال سالم مكرم(۱۴۱۲) معجم القرائتها القرآنيه. چاپ اول. تهران: انتشارات اسوه.
۲۲. اخفش، سعید بن مسعوده البلخی المجاشعی(۱۴۰۵) معانی القرآن. تحقیق دکتر عبدالامیر محمد امین الورد. چاپ اول. بیروت: عالم الکتب.
۲۳. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد(۱۴۲۰) کتاب معانی القرائتها. تحقیق احمد فرید مزیدی. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. اصبهانی، ابوبکر احمد بن حسین بن مهران(۱۴۰۸) المبسوط فی القرائتها العشر. تحقیق حمزه حاکمی. چاپ دوم. دار القبله.
۲۵. امین، محسن(۱۴۱۸) اعیان الشیعه. تحقیق حسن امین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۶. امینی، عبدالحسین(۱۳۶۶) الغدیر. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل(۱۴۱۹) صحیح البخاری بحاشیه السندی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۸. بغوی، ابن محمد حسین بن مسعود(۱۴۲۲) معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
۲۹. البیلی، محمد(۱۴۰۸) الاختلاف بین القرائتها. چاپ اول. بیروت: دارالجمیل.
۳۰. بیومی مهران، محمد(۱۴۱۶) منتخب فضائل النبی و اهل بینه من الصحاح الستة و غیرها. بیروت: انتشارات الغدیر.
۳۱. تستری، قاضی نور الله (بی تا) احقاق الحق و ازهاق الباطل. با تعلیقات سید شهاب الدین مرعشی نجفی. قم.
۳۲. تهرانی، آغاز بزرگ (بی تا) الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
۳۳. جزری، عزالدین ابن اثیر ابن الحسن علی بن محمد(۱۴۱۵) اسد الغابه فی معرفه الصحابه. تحقیق علی محمد معوض و... چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳۴. جعفریان، رسول (۱۳۷۹) بخشهای بر جای مانده کتاب فضائل علی بن ابی طالب (ع) و کتاب الولایه. چاپ اول. قم: انتشارات دلیل.
۳۵. جفری، آرتوز (۱۳۲۹) مقدمتان فی علوم القرآن، مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه، چاپ اول. قاهره: دار الهادی.
۳۶. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸) فرائد السمطین. تحقیق محمد باقر محمودی. چاپ اول. بیروت: مؤسسه المحمودی.
۳۷. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله بن احمد (۱۳۸۰) شواهد التنزیل. ترجمه احمد روحانی. چاپ اول. قم: دارالهدی.
۳۸. حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله (۱۴۱۱) المستدرک علی الصحیحین. با تحقیق مصطفی عبد القادر عطاء. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۹. حبشی، محمد (۱۴۱۹) القرائتها المتواتره و اثرها فی الرسم القرآنی و الأحکام الشرعیه. چاپ اول. دمشق: دارالفکر.
۴۰. حسینی استر آبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۷) تأویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره. با تحقیق سید محمد موحد ابطحی. چاپ اول. قم: مدرسه الامام المهدی.
۴۱. حجتی، دکتر سید محمد باقر، «علی» (ع) اولین جامع قرآن و پایه گذار علوم قرآنی. فصلنامه. بینات. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۲. خلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱) کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین. تحقیق حسین درگاهی. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. خمیس، محمد عبدالکریم (۱۴۱۶) النفحات الالهیه فی شرح متن الشاطبیه. چاپ اول. قاهره: دارالمنار.
۴۴. خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد المکی الحنفی (بی تا) المناقب. با مقدمه محمد رضا موسوی خراسان. طهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
۴۵. ————— (۱۴۱۷) المناقب. چاپ سوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۴۶. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید (۱۴۲۰) الأرجوزه المنبیه علی اسماء القراء والرواة. تحقیق محمد بن مجقان الجزائری. چاپ اول. سعودی: دارالمغنی.
۴۷. \_\_\_\_\_ (۱۹۳۰) التیسیر فی القرائتها السبع. استانبول: مکتبه الدوله.
۴۸. دمیاطی، احمد بن محمد بن محمد بننا (۱۴۰۷) اتحاف فضلاء البشر. با تحقیق شعبان محمد اسماعیل. چاپ اول. بیروت: عالم الکتب.
۴۹. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۸) طبقات القراء. تحقیق احمدخان. چاپ اول. عربستان: مرکز الملك فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه.
۵۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴) معرفة القراء الکبار. تحقیق ابی عبدالله محمد حسن اسماعیل شافعی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۱. ذهبی، شمس الدین ابی عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۶) معرفة القراء الکتاب علی الطبقات و الأعصار. تحقیق طیار التي قولاج. استانبول: مرکز البحوث الاسلامیه.
۵۲. \_\_\_\_\_ محمد حسین (۱۳۹۶) التفسیر والمفسرون. چاپ دوم. (بی جا).
۵۳. رفیعی، سید مجیب (۱۴۲۴) قرائتها اهل البيت القرآنیه. چاپ اول. قم: دارالغدیر.
۵۴. ری شهری، محمد (۱۴۲۱) موسوعه الامام علی بن ابی طالب فی الکتاب و السنه و التاریخ. چاپ اول. قم: دار الحدیث. انی و مطالعات فریبگی
۵۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۹) مناهل العرفان فی علوم القرآن. با تحقیق فواز احمد زمزلی. چاپ سوم. بیروت: دارالکتب العربی.
۵۶. زرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله (بی تا) البرهان فی علوم القرآن. با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار التراث.
۵۷. زنجانی، ابو عبدالله (۱۳۸۸) تاریخ القرآن. با مقدمه احمد امین. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵۸. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر (بی تا) الکشاف. بیروت: دارالمعرفه.
۵۹. سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۳) الاتقان فی علوم القرآن. ترجمه سید مهدی حائری قزوینی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.

٦٠. شافعي، كمال الدين محمد بن طلحه (١٤٢٠) مطالب السؤل في مناقب آل الرسول. با تحقيق ماجد احمد العطييه. چاپ اول. بيروت: مؤسسه ام القرى.
٦١. صغير، محمد حسين على (١٤٢٠) تاريخ القرآن. چاپ اول. بيروت: دارالمورخ العربى.
٦٢. صفاقسى، ولى الله (١٤١٩) غيث النفع فى القراءات السبع. چاپ اول. بيروت: دار الكتب العلميه.
٦٣. صفورى، عبدالرحمن (١٤٠٦) مختصر المحاسن المجتمعه فى فضائل الخلفاء الأربعة. تحقيق محمد خير المقداد. چاپ اول. دمشق و بيروت: دار ابن كثير.
٦٤. طبرسى، فضل بن حسن (١٤١٧) اعلام الورى. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت الأحياء التراث.
٦٥. ——— ابو على فضل بن حسن (١٤٠٨) مجمع البيان فى تفسير القرآن. چاپ دوم. بيروت: دار المعرفه.
٦٦. طبرى، عماد الدين ابى جعفر محمد بن ابى القاسم (١٤٢٠) بشاره المصطفى لشيعه المرتضى. با تحقيق جواد قيومى. چاپ اول. قم: مؤسسه النشر الاسلامى.
٦٧. ——— محمد بن جرير (١٤١٢) جامع البيان. چاپ اول. بيروت: دارا الكتب العلميه.
٦٨. طوسى، محمد بن حسن (١٣٨٤) امالى. با مقدمه محمد صادق بحر العلوم. نجف: مطبعه النعمان.
٦٩. ——— (١٣٧٦) التبيان فى التفسير القرآن. با مقدمه آقا بزرگ طهرانى. نجف: المطبعه العلميه.
٧٠. الطويل، سيد رزق (١٤١٥) فى علوم القرائتها. چاپ دوم. مكه: المكتبه الفيصليه.
٧١. عبدالقوى، صبرى عبدالرؤوف محمد (١٤١٨) اثر القرائتها فى الفقه الاسلامى. چاپ اول. رياض: أضواء السلف.
٧٢. عدوى، ابى عبدالله مصطفى بن العدوى (١٤١٦) الصحيح المسند من فضائل الصحابه. چاپ اول. عربستان: دار ابن عفان.

۷۳. عسگری، سیدمرتضی(۱۴۱۵) القرآن الکریم و روایات المدرستین. چاپ اول. بیروت: شرکت التوحید للنشر.
۷۴. فراء، یحیی بن زیاد(۱۳۶۰) معانی القرآن. تحقیق احمد یوسف بقاعی و محمدعلی نجار. چاپ اول. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۷۵. فخر رازی، محمدبن عمر(۱۴۱۵ق) مفاتیح الغیب(التفسیر الکبیر). چاپ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷۶. فضل، عبد الهادی(۱۹۸۰) القرائتها القرآنیة. چاپ دوم. بیروت: دارالقلم.
۷۷. قاسم بن سلام، ابو عبید هروی(۱۴۱۵) کتاب فضائل القرآن. تحقیق مروان العطیعه و .... چاپ اول. دمشق و بیروت: دار ابن کثیر.
۷۸. قرطبی، ابو عبدالله محمدبن احمد انصاری(۱۴۰۵) الجامع لا حکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۹. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم(۱۴۱۶) ینابیع الموده. با تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی. چاپ اول. تهران: انتشارات أسوه.
۸۰. کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۸۸) الکافی. با تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ سوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۸۱. لحام، سعید محمد(بی تا) فیض الرحیم فی قرائتها القرآن. بیروت: عالم الکتب.
۸۲. متقی هندی، علاء الدین علی(۱۴۰۵) کنز العمال. تصحیح صفوة السقا. بیروت: مؤسسه الرساله.
۸۳. مجددعباس، محمد. مسعود(۱۳۷۵) قرائتها قرآنی از دیدگاه تشیع. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸۴. مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳) بحارالانوار. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۸۵- محمدیان، محمد(۱۴۱۷) حیاة امیرالمومنین عن لسانه. چاپ اول. قم: انتشارات اسلامی.
۸۶. محسن، محمدسالم(۱۴۱۸) القرائتها و اثرها فی علوم العربیة. چاپ اول. بیروت: دارالجیل.

۸۷. ————— (۱۴۱۸) المغنی فی توجیه القرائتها العشر. چاپ سوم. بیروت: دارالجمیل.
۸۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۱) التمهید فی علوم القرآن. ترجمه ابو محمد وکیلی. چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۸۹. مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۴) الامالی. تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استادولی. چاپ دوم. بیروت: دارالمفید.
۹۰. مکی بن ابی طالب قیسی (۱۴۰۵) التبصره فی القرائتها. تحقیق محیی الدین رمضان. کویت: المنظمة العربیة للتربیة و الثقافة و العلوم.
۹۱. مکی بن ابی طالب قیسی (۱۳۹۹) کتاب الأباه عن معانی القرائتها. تحقیق محیی الدین رمضان. چاپ اول. دمشق: دارالمأمون.
۹۲. نخاس، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل (۱۴۰۹) اعراب القرآن. تحقیق زهیر غازی زاهد. چاپ سوم. بیروت: عالم الکتب.
۹۳. نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (۱۴۱۷) کتاب خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع). چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العربی.
۹۴. نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (۱۴۱۹) کتاب خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع). تحقیق سید جواد حسینی. چاپ اول. قم: دار الثقلین.